

**مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست**

**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۷

پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

**پایس ۱۷ بهمن
دشمنان سازمان را
بسیار نادانتر**

سرکوب و حشیانه رژیم جمهوری اسلامی در مقابل سیل خروشان توده‌ها



پس از یورش مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی به میتینگ میدان آزادی، جمعیت از هشت نقطه پشت به راهپیمایی زدند. در این عکس بخشی از جمعیت در حال راهپیمایی از میدان آزادی بسوی میدان توحید است

بار دیگر حکومت جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را به مردم نشان داد. آنچه وسیعاً از هواداران - کارگران، پیروان، زحمتکشان، هواداران، استادان، معلمین، دانشجویان و محصلین انقلابی که روز جمعه ۱۷ بهمن ماه بهمناسبت بزرگداشت سالروز قیام بهر شکوه خلق و سالروز حمله به ساکس و تاجیک‌سلو ستایش از شهدای دلیبر خلق، بنا به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق در میدان آزادی گرد آمده بودند، از همان ابتدا مورد هجوم‌های وحشیانه پاندهای سیا و موشیروهای انتظامی و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

سرکوبگران رژیم که در جریان این عمل با مقاومت شدید هواداران مواجه شدند، از هیچ اقدام بی‌شرمانه‌ای برای سرکوب و بیزه‌زدن میتینگ که بعداً به تظاهرات خیابانی تبدیل شد فروگذار نکردند. از تیراندازی بسوی تظاهرات کنندگان گرفته تا حملات ده‌دانشانه و ضرب و شتم بسویله چوب و چماق، قه و چاقو و پنجه بکن، تا چنان بنگار که تیرین و قویعاً سه‌ترین رفتار و پست‌اش حزب جمهوری اسلامی با زنان و دختران اعمال شکنجه در وسط خیابان‌ها و در مقابل چشمان مردم و سرانجام در حالی که از تعداد شهدا اطلاعی دقیقی در دست نیست، ده‌ها تن محبوس و متجاوزانانند. تنگن دستگیر شدند.

این بودجه‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی با شعار "استقلال و آزادی" در خیابانهای تهران بوجود آورد.

حوادث روز جمعه با زخم بی‌فروغ مردم نشان داد که چکر نه حکومت جمهوری اسلامی همبرقم تبلیغاتی که هرروزه درباره استقلال طلبی و آزادیخواهی بسراه می‌آغازد، محض ابراسی که بهمناسبت بزرگداشت سالروز قیام مسلحانه خلق و شهدای خلق برپا می‌شود، همانان قد و قامت به هر اقدام سرکوبگرانه بسوی جلوگیری از آن میزند. مردم از غصب حضور تبلیغی آزادی جمهوری اسلامی در چه موردی میدان پیدا میکنند و وقتی که مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران سرکوب می‌شود، وقتی که مبارزه دهقانان

تما می مزدوران و جیره‌خواران رنگارنگش کوفت. با فرارسیدن سالگرد قیام بهر شکوه خلق و رستاخیز سیا هکل، از سوی سازمان ما از توده‌های خلق دعوت به عمل آمد تا جهت برگزاری هرچه باشکوه‌تر این روز بقیه در صفحه ۱۱

رژیم جمهوری اسلامی که دیگر قادر نیست توده‌های ناآگاه را جهت سرکوب نیروهای مترقی به میدان بکشانند به سرکوب هر چه عزیزانتر متوسل می‌گردد. استقبال بهر شکوه و بی نظیر توده‌ها از دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مشت معکس برده‌ها، رژیم و

- در این شماره**
- اخبار تازه گری
 - اخبار روسستانی
 - اخبار کردستان
 - مردم چه می‌گویند؟

**کارکنان مناطق
جنگ زده با آوارگی و
یکجاری دست
بگیرانند همه
دولت بزرگترین عامل
گمراهی است**

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه خلیش

اعتراض کارگران ماشین سازی تبریز علیه یاوه گونی های مدیران

کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز تصمیم مدیریت را مبنی بر لغو سود ویژه و بازی گرفتن سود ویژه دو سال گذشته که کارگران دریافت کرده اند، منتفی کردند.

دو هفته قبل در کارخانه ماشین سازی تبریز خبری پخش شد. مبنی بر اینکه کارگران باید سود ویژه دو سال گذشته را پس بدهند. کارگران بگنجانید است به اعتراض شدیدی زدند و آشکارا مدیریت را به وحشت انداختند که او را بلندگویی کارخانه، غیر مذکور را تکذیب کرد. مدتی تمام جمعه تبریز نیز آنرا تکذیب کرد. کارگران در این رابطه و با خط میگویند: آنها میخواهند با این حرف، مکرر لعل ما را بپزند بعد طوفان رادرمه جا بپاوه کنند. ولی کور خواندند! ما تمام سود ویژه سال را هم خواهیم گرفت. کارگران کارخانه های دیگر هم وقتی از ماجرا با خبر میشوند همدا با کارگران ماشین سازی میگویند: از وقتی هورا های ما را متعل کرده اند، ما همی مدارا کرده ایم دیگر بر مسلمان تمام شده، ما هم مثل همه کارگران سود ویژه را که قسمتی از حقوق پرداخت شده ما ست خواهیم گرفت.

مبارزه کارگران جنرال استیل علیه مدیرعامل

کارگران کارخانه جنرال استیل در دفاع از شورای واقعی خود، مصمم در بکبار چه، در مقابل دسیسه چینی های مدیرعامل مقاومت میکنند.

شورای کارگران کارخانه جنرال استیل که بعد از مبارزات پیروز کارگران و با انتخاب خود آنها جانشین شورای فرمایشی قبلی شد، تصمیم گرفت تا احقاق حقوق واقعی کارگران، از خروج محصول آلومینیوم از کارخانه جلوگیری کند. مدیرعامل کارخانه (نصمت زاده) شهیدا با اینکار مخالفت میکند و با خبر دادن او به کارخانه تبریز و یکی از نمایندگان کارگران را دستگیر میکنند کارگران، مصمم و بکبار چه از شورای کارخانه دفاع کرده و سرانجام توانستند پیروز شوند و او را از دستگیر شدن فرار می شود نصمت زاده و دیگر نماینده از وزارت کار، بوضع کارخانه رسیدگی کنند، روز بیست و چهارم دیماه



اخبار کارگری

جلسه عمومی تشکیل میشود کارگران دست به اعتصابی خشمگین زاده، معاون او (قره باغی) و فرده دیگری که املا در آنجا کار نمیکنند ما حقوق میگیرند میزنند. مدیرعامل شورا را کمیونیستی میخواهد میگوید. همانطور که در مقابل کارگران کانا درای مقاومت کردم (ماجرایی که منجر به شهادت کاشف وزخمی شدن عده ای از کارگران شد) در مقابل شما هم مقاومت خواهیم کرد. کارگران فریاد اعتراضی خود را بلند میکنند و با فریاد بکبار چه، مرگ نصمت زاده، دیگر به او اجازه مصممیت نمیدهند.

کارگران متحد و مبارز جنرال استیل مصممند از حقوق خود خوبیش دفاع کرده و مزدوران سرما به را سرجای خود

در کارخانه تکنوکار

شورای کارخانه تکنوکار، حمله دیروست اندر کارگران سازمان برنامه و بودجه را اتمام کردند. چندی پیش با زرسی از سازمان برنامه و بودجه به این کارخانه آمد و با دستور که مدیر کارخانه آنها را بعنوان اعضای شورا معرفی کرده بود صلافت کرده و درباره کارخانه و شخص مدیر شورا را تفتیش کرد، دو نفر مذکور هم که از قبل از طرف خود مدیر انتخاب شده بود، به استیلا مطابق میل مدیر پاسخ دادند. در موقع خروج با زرسی از کارخانه، اعضای واقعی شورا جلو او را گرفتند و میگویند: ما در حدود یکسال و نیم است که با مدیر کارخانه درگیری داریم. با تحقیقاتی که شورا بعمل آورد معلوم شد که با زرسی

مذکور، با میل مدیر کارخانه است و آمده بود تا درباره عملکرد مدیران گزارش جهت تحکیم وی تهیه کند!!!

در کارخانه "زینکاج" کارگری بعزت قطع دستش فوت کرد.

کارگری هنگام کار با قیچی بر روی دستش قطع میشود. بعزت بی توجهی کارفرما و مسئولین کارخانه از شدت خونریزی فوت میکند. کارگر میگویند: داشتن سبیل آبیستی، بهداشتی، آمبولانس و... حل مسکن ما ست.

شوراهای واقعی مورد حمایت کارگران است.

شورای کارگران شرکت حمل و نقل "تراش کنتینر نخل" (بلوچ) موقعیت های در زمینه احقاق حقوق کارگران شرکت بدست آورده است و کارگران متحد و متشکل از آن پشتیبانی میکنند.

کارگران این شرکت توانسته مدیر قبلی شرکت را که تمام سود حاصل از کار آنها را برای صاحب فراری فرستادند به خارج از کشور فرستاد، او را در ربه کناره گیری کنند، اما مدیر فعلی بنام (رضایی) هم دست کسی از او ندارد و بر این انحلال شورای کارگران توطئه میکنند. اما کارگران که اخیرا توانسته اند شورای واقعی خود را جایگزین شورای فرمایشی قبلی کنند در مقابل توطئه های او ایستادگی کرده و مصمم هستند حمایت از اقدامات مبارزه جویانه شورا علیه مدیریت، شورا را قادر سازد تا هر چه بیشتر حقوق از دست رفته آنها را از مدیران فدکارگر بگیرد.

شورای شرکت (بلوچ) تاکنون توانسته است مقداری از عوامل مدیرعامل را برکنار کند و اکنون قصد دارد حقوق کارگرانی را که از دست رفته است کم تر است افزایش داده و نیز حقوق کارگرانی را که بوسیله مدیرعامل جدید کم شده است، به آنها بازگرداند.

مبارزه پیروز منند کارگران شرکت "دی"

کارگران شرکت ساختمانی "دی" ضمن موفقیت در تشکیل شورای واقعی خود موفق شدند بنیاد مستضعفین را برای پرداخت چهار ماهه حقوق عقب افتاده خود وادار به عقب نشینی کنند. کارگران این شرکت که چهار ماهه بود بقیه در صفحه ۴

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)
هیئت تحقیق کلگری را برپا داریم



بقیه از صفحه ۳

حقوق نگرفته بودند روز دهم دیماه برای دریافت حقوق و تعیین تکلیف خود بیه دفتر مرکزی بنیاد مستضعفین (شرکت تابع بنیاد است) مراجعه کردند. مدیران جدید شرکت (گلایه - رضوانی) که از طرف بنیاد منصوب شده اند، طبق معمول جواب سر بالا دادند. یکی از کارگران که به خشم آمده بود با "گلایه" گلابز شد گفت: "شنیده ام قبلا برای یک کارگر کلت کشیده ای!" مدیران در مقابل اتحاد کارگران به وحشت افتاده بودند و کارگران برای تحقیق خواست خود مدیران را به گروه گمان گرفتند.

با او برخورد اعتراض کارگران و پاسداران بنیاد به اتفاق مدیران ریختند ولی وقتی با خشم و اتحاد آهنگین کارگران روبرو شدند فرار را برقرار ترجیح دادند. کارگران یکی از مدیران را به بنیاد برده و اعلام کردند فقط در مقابل پرداخت حقوقشان، مدیر دیگری آزاد نخواهند کرد. بنیاد دنا چا رشد با خواست کارگران موافقت کند ضمن پرداخت یکماه حقوق کارگران، تعهد کرد که بقیه مطالبات کارگران را هم بپردازد. کارگران شرکت "دی" که در این مرحله از مبارزه پیروز شده بودند، با تشکیل شورای واقعی کارگران به پیروزی دیگری دست یافتند.

• اخباری از کارخانه کنسروسازی رشت مسئول مرگ این کارگر کیست؟

یکی از کارگران کارخانه کنسروسازی ازبالی یک ساعت چند طبقه سقوط کرده و بدلیل نبودن وسایل ایمن در زمان در کارخانه جان سپرد. این فاجعه، آتش خشم کارگران را شعله ور ساخت و برای چند ساعت دست از کار کشیدند و دسته جمعی بسوی کارگری حرکت کردند و خواستار برخورد مستقیم شدند. کارگران خشمگینانه فریاد میزدند: "مسئول مرگ این کارگر کیست؟ چرا یک آموختار در اختیار کارگران نیست؟ جان کارگران برای شما هیچ ارزش ندارد! شما برای کارگران چکار می کنید؟.....؟.....؟.....؟" داشتن وسایل ایمن و ارتقاء و مدار پزشکی در کارخانه ها از حقوق مسلم کارگران است.

دستگیری و اخراج کارگران انقلابی

اعتصاب چند ساعتی کارگران کارخانه کنسروسازی رشت بخاطر مرگ

یکی از کارگران موجب اعتراض کارفرمای ضد کارگر می شود. او با اشاره به متنوع بودن اعتصاب، کارگران را تهدید می کند. این تهدید، خشم کارگران را بیشتر می کند و دست به افشاکاری وسیعی در باره ما میزند. ما به امتناع از اعتصاب میرت. کارگری میگوید: "بسیاری اعتصاب بیون ۳۰ سال زندان در نظر گرفته شده، ولی با بدبختی چند کسان با اعتصاب و کم کاری می شوند؟ وقتی حقوق حقه کارگران پرداخت نمی شود و هرگونه حرکت اعتراضی سرکوب می شود وقتی سرمایه داران بر جان و مال ما مسلط هستند، اعتصاب حق ما است، ما با اعتصاب میتوانیم حقمان را از کارفرما بگیریم. کارفرما اهمیت نشاندگان را که ادامه اعتصاب را به سر خود میدهند توطئه شومی را علیه کارگران تدار کردند. لیستی از نمایندگان مترقی و کارگران مبارز و پیشرو تهیه کردند. تبلیغات ضد فکری و کمونیستی و موجی از ارباب و تهدید و دستگیری برای انداختن پاسداران مسلح به کارخانه ریختند و کارگران آگاه و انقلابی را دستگیر کردند. شبانه به خانه کارگران یورش بردند. ماشین سرکوب باندهای سیاه را برای انداختن و دستمایندگان واقعی کارگران را مصادوم و مضروب کرده و کارگران انقلابی را به جرم داشتن عقاید سوسیالیستی اخراج کردند و دستگیر شدگان را به زندانهای قهرتوران و یاری فرستادند. ولی کارگران با تمام قوا میگویند چو سرکوب و خفقان را شکستیم و این مزدوران سرمایه را افشاکند کارگران کارخانه کنسروسازی را سا بیکار خواهند کرد. ما با چنین مسائلی روبرو هستیم و باید کوشش کنند با اتحاد و مبارزه کارگران اخراجی را بزرگوار با زگردانند و با تشکیل شورا های واقعی خویش از اقدامات ضد کارگری کارفرمایان جلوگیری کنند.

• تلاش دولت برای انحلال شوراهای کارگری

رئیس جمهور، وزارت کار و روز می خواهند "به هر قیمتی شده" شوراهای کارخانه ها را منحل کنند! جنسی پیش از طرف وزارت کار نامه مجامه ای برای مدیران کارخانه ها فرستاده شده بود و از هیئت مدیره دعوت بعمل آمده بود که در هتل هیلتون در جلسه ای با شرکت رئیس جمهور و چندین از وزیران شرکت کنند. در این جلسه حدود ۱۰۰ نفر از مدیران و نمایان صنایع گذشته و حال شرکت داشتند و تمام صحبت ها در مورد شوراها و واگذاری صنایع به صاحبان قبلی آنها دور میزد. آقای نعمت زاده وزیر کار کابینه قبلی وزیر صنایع و معادن فعلی (که پیش عظیمی از کارخانجات ملی شده وزیر پوش این وزارتخانه است) از مدیران کارخانه ها ممرانه میخواست، بهر قسمتی که شده شوراها را منحل کنند!!!

• کارگران، پاسداران دزد را دستگیر کردند

پاسدارانی که شبانه برای دزدی از دیوار کارخانه ما کاررونی سازی بالا رفته بودند، توسط کارگران همان کارخانه دستگیر شدند. در کارخانه ما کاررونی سازی فریک ورامین مبلغی حدود ۶۰ هزار تومان پول نقد وجود داشت. پاسداران - کمیته وقتی از این قضیه اطلاع می یافتند شبانه برای دزدیدن پولها از دیوار بالای روند، اما کارگرانی که شب را در کارخانه می خوابیدند متوجه میشوند و آنها را تعقیب میکنند. بدنبال دزدان وارد کمیته میشوند! کارگران میگویند که آنها بنیاد برای دزدی به کارخانه آمده بودند ولی دزدان میگویند که ما برای دستگیری اینفانی ها می که در کارخانه هستند آمده بودیم! کارگران میگویند: پس چرا از دیوار آمدید و بعد هم فرار کردید؟ دزدان این جادوگرها سخن نداشتند. کارگران که همه این پاسداران دزد را شایسته کرده بودند ممرانه خواها دستگیری و مجازات آنها بودند. سرانجام نیز مسئولان کمیته در مقابل با فشاری و افشاکاری کارگران مجبور شدند به دزد بودن پاسداران خویش اعتراف کنند، علیالظاهر آنها را دستگیر و تعویب کمیته مرکزی دادند.

• پیام خانواده های فدائیان شهید بقیه از صفحه ۲

هم میهنان مبارز! در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پرچم سرخ خون شهیدان و آرمان رهائی بخش کارگران را اینجابه بزرگداشت جنبش انقلابی خلق و رستاخیز پیشگامان فدائیان را بر سرافراز می بینیم برای فراشته است و در حالیکه حضور ما در این میتینگ نشانه پرشکوه تداوم انقلاب و دفاع شکست ناپذیر است. سازمان کارگران، که به خود نام اکثریت نهاده اند بیهودگی نام فدائیان خود بسته اند زیرا علم قاتلان تو ماچا، رشو و رشوهای، تریبی ساها و میزکارهای و دهها فدائی شهید دیگر سینه میزنند و عملیات جنبش انقلابی خلق خیا نیست می کنند.

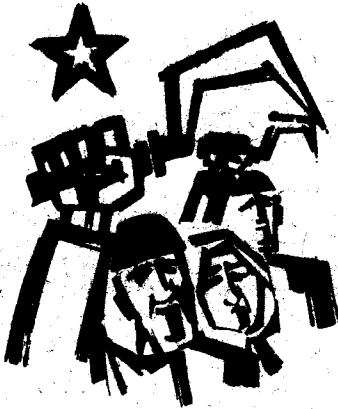
باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

خوش نشینان روستاهای سه ماله و سیدان (از روستاهای شوشتر) موفق شدند در سایه اتحاد و مقاومت زمینهای مالک را مستقلا به نفع خود بکارند

در تاریخ ۱۴/۹/۵۹ خوش نشینان روستاهای سه ماله و سیدان (بخش عقیلی شوشتر) با اقدامی انقلابی زمین را به وسعت ۵۰ هکتار که در اختیار مالکی بنام عسکری بوده و بصورت "سهمی" گاشتند.

این مقدار زمین را تا سال ۲۸ کشت و رزان منطقه عقیلی بصورت سهمی کشت برونج میکردند. ولی بعد از اطلاعات ارضی شاهانه که به ورشکستگی کشاورزان انجامیدد هفتاد و پنج نفر از این منطقه به علت باسوایی درگاشت و اینکه دولت فدولتی شاه با وارد کردن برونج آمریکایی عملاً ورشکستگی این کشاورزان را گردید و نتوان از گاشت برونج کاری زمینها را راه کرده و به کار در زمینها مشغول گردیدند. این منطقه زمین بصورت مالکی بنام عسکری درآمد. بعد از قیام خوش نشینان به عقبه در صفحه ۶

گزارشهای روستائی



چگونگی انتخابات شورای ده در روستای خضزلو

روستایان با مقاومت و اتحاد نمایندگان محلی را نپذیرفتند و نمایندگان واقعی خود را برگزیدند. روز پنجشنبه بتاریخ ۲۷/۹/۱۳۵۹ عده ای از طرف سادیرگزاری انتخابات استان آذربایجان به روستای خضزلو از توابع عجبشیر آمدند تا انتخابات

شورای اسلامی ده را انجام دهند و از روستایان خواسته شد که در حد توان ۲ بعد از ظهر در مسجد جمع شوند. هنگامیکه روستایان در موعد مقرر در مسجد جمع شدند، "شورا سازان" که با چند پاسبان مسلح آمده بودند در مسجد را از پشت بسته و اما می تمام روستایان حاضر در مسجد را نوشتند. قبل از آنکه نمایندگان، توسط "شورا سازان"، اعلام شد گمانیکه انتخاب میشوند نباید در رژیم گذشته فعالیت کرده باشند. اما وقتی ۱۵ نفر کاندیدا بوسیله "سه خودشان اعلام شد مظلوم گردید که همه از بالانشینان مسجد بوده و اغلبشان نیز در رژیم گذشته با ساواکی بودند و در روستا حیزی و با اینکه درگاههای مربوط به خرجینی روستایان با همان رژیم گذشته فعالیت داشته اند، آنکه در این راه روستایان دست به اعتراض زده و گفتند ما انتخابات نمیخواهیم و وقتی خواستند مسجد را ترک کنند رنجی پاسبانها به پاسداران آماده باش داده و گفتند "هرگز از مسجد بیرون نروید و را دستگیر کنید. تا من بعنوان خدا انقلاب بسته دادگاههای انقلاب معرفی اش کنم". اما با وجود همه تهدیدها و توهینها که به روستایان میکردند مقابل اتحاد و مقاومت روستایان عقب نشسته و قبول کردند که تا بعد از ۱۵ نفر دیگر نیز بصورتی کاندیدا معرفی شوند و موفقیتی گسیبم انتخابات با این پاسبانها معلوم شد که اکثر انتخاب شدگان بوسیله خود روستایان از همان راه کاندیدای پاسبان مسجد هستند که اغلبشان نیز از کارگران و زمینداران روستا میباشند.

ماجرای تشکیل شورای اسلامی در روستای "نظرلومی" شبستر

درفکران و تاملین معاش فردای خویش هستند عباراتی بوج و رویاهای دورو - دراز بنظر میرسد! اما فرما ننشده با ساداران وقتی از سخنان شکر ف خود نتیجه ای نمیگیرند تا امیدند و وعده بر عهدا و بختاری نهاده و زبان بر تهدید و توهین میگشاید و در خاتمه دنبال سه سخنان خویش را بعلت دیر وقت بودن به فردا که دوباره بروستا باز خواهند گشت موقوف میکنند. فردای آنروز بیش از ۱۰۰ پاسدار با ۲ لندرو روپسنگ تا کسی با روار در روستا شدند. پاسداران به مجرد ورود به روستا، اهالی را با اجبار در مسجد جامع "نظرلو" جمع کرده و تمام درهای خروجی مسجد را بسته و در مقابل هر درب خروجی پاسدار مسلحی را میگذاشتند تا خروج روستایان از مسجد جلوگیری کنند! پاسداران روستایان را از مسجد خارج کردند و میگویند اکنون میتوانیم ۱۰ نفر از بخش پاسبان ۱۰ نفر از بخش بالای روستا کاندید کنیم و اما می کاندید میباشند و عقبه در صفحه ۶

پاسداران کمیته مرکزی شوراهای دهقانی تبریز روز بیستم آذرماه بقصد انحلال شورای روستای "نظرلومی" شبستر و ایجاد شورای اسلامی عازم روستای مزبور شدند. شورا در این بیست ماه تشکیل شده بود و بهانه، انحلال شورا این بود که کور و غن تراکتور را هر لیتر سه ریال کرایه تر فروخته است. فرماده، پاسداران اعزامی بعد از گرد آوردن مردم بالای منبر رفتند و اهالی روستا را به وحدت کلمه دعوت میکنند فرماده پاسداران در آغاز به سخنرانی میپردازد. بدون اینکه به روستایان نظرلو توضیح دهد که بلاخره در این مملکت مشکل روغن نباتی، قند، برونج، نفت و... از یکطرف و مشکل آب و زمین، بذر و کود، تراکتور، گاز و شیل برای روستایان از طرف دیگر، کی چگونه حل خواهد شد؟ در باره آرزوهای چون تلفن و جاده، اسفالت برای روستایان جمله پردازی میکند که این سخنان برای زمینداران کسه

موفقیت اهالی روستای کلمه محمد آباد در تشکیل شورای واقعی

اهالی زحمتکش روستای کلمه محمد آباد حومه جعفرود، شورای روستا را که مرکز آن زمینداران و افراد متنفذ بود منحل کردند و شورای واقعی خود را تشکیل دادند. از مدتها پیش اهالی روستایی به نژادی ها و زودبیدهای اعضای شورا برده بودند تا اینکه در اوایل خردادماه، اهالی متوجه شدند که مقدار زیادی از سهمیه نفت و سیگار و دیگر مایحتاج روستا، در دیده شده است. اهالی از اعضای شورا به فرمائندی و دیگر نهاد های دولتی شکایت میبزنند و در ضمن ماهیت اعضای شورا را نیز افشا می کنند. مردم خواستار انحلال شورا میشوند شورا هم در مقابل، مردم را ضد انقلابی میخواند ولی اهالی روستا با آگاهی و اتحاد خود توانستند این شورا را منحل اعلام کرده و شورای واقعی خود را تشکیل دهند. در ضمن توانستند جناس در دیده شده را هم از شورای سابق پس بگیرند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



خوش نشینان روستاهای ...

امدایکه تغییر در زندگی روستاییان رخ خواهد داد و ما بحسب کار با قطنه زمینی خواهند شد، به انتظار اقدامات دولت نخستدولتی در جریان عمل دیدید که تنها هیچ قدمی در جهت حل و رفع مشکلات خوش نشینان برداشته نشده، بلکه روز بروز وضعیت برایشان بدتر گرایید... بدتر میگردد. گروهها و هیئت‌هایی جهت نظارت بر وضع خوش نشینان در رابطه با تقسیم زمین و دادن قطعه زمینی جهت کاشت به خوش نشینان به منطقه می آمدند و جیره و جیره در جیب‌های دربار می‌گذاشتند و وضع خوش نشینان را به تنگ آورده بود. هفتاد و نمره واگذاری زمین هم نبود که از مشکلات اینان حاصل میگردد. هیچ دستور آت‌الد حمینی مبنی بر اینکه به علت شرایط حساس جنگ و احتیاج کشور به کشت ثلاث بیشتر مالکین هم نمیتوانند زمینهای را که قرار است بکار دارند بکارند عملاً نه توده‌های زمین و منجمد خوش نشینان نشان داد که این دولت جمهوری اسلامی که تنها قدمی در جهت حل مشکلات اینان برداشته بلکه با استفاده از شرایط جنگ و بیست کشیدن مسئله احتیاج کشور به کشت و تولید بیشتر باز دیگر ما هیئت سیاستهای فرتیکارانه، خویش زادریه اصطلاح دفاع از مستضعفین و در عمل دفاع از منافع سرمایه داران زمین داران بزرگ را نشان داد و باعث گردید که دیگر خوش نشینان از اقدام دولت در زمینه حل مشکلات خویش قطع امید کرده، خود را " دست به کشت زمین بزنند. این حرکت انقلابی به این شکل آغاز شد.

خوش نشینان در روستای سه ماله و سیدان طبق قرار زمین به مساحت ۵۰ هکتار را که در اختیار مالکی بنام عسکری بود گذاشتند این قرار به این ترتیب بود که ابتدا خوش نشینان روستای سه ماله قسمتی از زمین را بکارند و خوش نشینان روستای سیدان از آنها بپشتینا می‌کنند. و همینطور بقیه زمین را خوش نشینان سیدان بکارند و خوش نشینان روستای سه ماله از آنها بپشتینا می‌کنند. روزها رده‌ها در حرکت آغاز شد البته قمل خوش نشینان پیش بینی نمیکردند که با مقاومت مالکین این دور روستا (عسکری کرمی موسوی) مواجه خواهند شد، لذا با چوب و بیل خود را برای دفاع از عمل انقلابی خویش در قبال زورگوییهای مالکین آماده کرده بودند. خوش نشینان سه ماله با پشتینا می‌کنند خوش نشینان سیدان علی رغم مقاومت ط‌الکین و عواملشان سهم خویش را کاشتند. در حالیکه تراکتورها مشغول شخم زمین بودند خوش نشینان با چوب و سنگ دور روستا دور زمین را مراقبت میکردند. مالکین عده‌ای از کشاورزان نا آگاه روستای سیدان را تحریک میکردند که اینها

ماجرای تشکیل شورای

اسلامی در ۴۰۰۰ بقیه از صفحه ۵

اخبار ما بگردد. اما وقتی روستایان اسامی کاندیدهای دلخواه خود را در اختیار پاسداران میگذاشتند، پاسداران با همین اسامی برخی از کاندیدها را نیکو از قبل آنان را میشناختند فوراً اسامی آنان را خط می‌زدند و می‌گذاشتند و بدین ترتیب زحمتکاران نظیر ما را از این حرکت پاسداران به خشم آورده و می‌گویند به اینها معروف تر و سخت‌تر از ما هستند. اگر واقعاً شما آدم‌های باطرف و منصف هستید بقیه‌های بی‌سهم به اینان نگاه کنید که خود گواهای این مدعا است! اما پاسداران اعتنا نمی‌کنند که ما را و اعتراضات اهالی نکرده و به کار خود که اینها را از ادبی مطوم الحال بود ادامه می‌دادند. اما روستایان نیز ساکت نشسته و سرخشان به با انتخاب شخص خود و فرود خفته‌ای مخالفت نمیکردند و شخصی مزبور به گفتند روستایان در زمان رژیم شاه ۱۷ ماه از خدمت نظام وظیفه خود را به منظور جاسوسی و غیره چینی‌ها بر علیه روستایان در شرکت شغلی روستایان بهره زدن و گزارش دادن به ژاندارهای شاه سپری کرده و همینطور هنگام آمدن آموزگار رخت و زیرتاه به تبریز اهالی روستا را برای استقبال از آموزگار روستا هرات برده شاه بشهر برده، اما پاسداران که گوششان با این حقایق بدهکار نبود این

میخواهند زمینهای شما را بکارند و با تحریک و دسیسه چینی توانستند عده‌ای از کشاورزان نا آگاه را در مقابل خوش نشینان قرار دهند. مالکین و عوامل آنها وعده‌های از کشاورزان نا آگاه با چوب و بیل مانع از کشت قسمت دوم زمین شدند و خوش نشینان با قدرت فداکشت بقیه زمین را داشتند. بزرگان روستای مجاور برای حل و فصل قصبه می آمدند و خوش نشینان مصمم و یکپارچه برای دفاع از حقوق خویش و کشت زمین هیچ گونه مذاکره و سازشی را نمی‌پذیرفتند. حس کرده بودند که در سایه اتحاد و یکپارچگی خویش قادر به انجام هر کاری هستند. در این مدت سپاه پاسداران هم وارد جریان شد. طرفین به تقویت خویش می پرداختند ولی به وضوح برتری و قدرت خوش نشینان لرزه بر اندام مالکین انداخته بود. خوش نشینان میگفتند " هر گس در این عمل جلوی ما را بگیرد زمین را با خویش بپاریم می‌کنیم. این حرکت دوروز طول کشید. و در این میان سپاه با تیراندازیهای مکرر مانع جملبه خوش نشینان میشد خوش نشینان میگفتند " بگه سپاه نمی‌داند حق ما است، پس چرا با ما منجمنی شوند. و این مالکین زورگو و مفتخور را بگیرند و بسندارند زندان چرا جلوی ما را بگیرند

استدلالات روستایان را با عبارات مهم نیست و عیب ندارد و اینها حرفهای گذشته است توجه میکردند.

هنگامیکه اهالی زحمتکش نظیر ما اینهمه وقاحت پاسداران و دشمنی آشکار آنان را با منافع خود و روشنی مشاهده کردند. با خشم و اعتراض به پاسداران گفتند: " ما عملاً ششوراً نمیخواهیم، تصمیم گرفتند که بطور دستجمعی مسجد را بقصد اعتراضی در برابر اینهمه زورگویی و قلندری ترک کنند. اما پاسداران که ۵ ساعت تمام روستایان را برای تشکیل شورای مورد نظر خود در داخل مسجدین کرده و حتی با ناچاره رفتن به توالی هم نمیدادند ما تسبیح خروج روستایان از مسجد شدند که در این هنگام یکی از زحمتکاران که دیگر نمیتوانست با این درجه تسبیحی آشکار بر اهالی و خود را تحمل کند از زمین مسجد را لایبریده و با بقا را میگذارد. که بدینال او پاسداران که فرمان ایست داده و پس از بارش می‌گوید: " بجان امام اگر نه ایستی شلیک میکنم! روستای بناچار از حرکت باز می‌ایستد و پاسداران هم بلافاصله او را گرفتند و بدون مسجد آوردند و برای عبرت سایرین تا توانستند او را کتک زدند، روستایان در برابر این عمل جبرمنا نه پاسداران سرمایه اعتراض کردند و پاسداران هم در مقابل اعتراض آنان بمنظور تهدید و ترساندن بیشتر روستایان در داخل مسجد تیر هوشی شلیک کردند. بالاخره پاسداران پس از اینهمه کشتک و کتک کاری سرانجام موفق شدند که به زور - سر نیزه و ز - ۳ "شورای جمعی" مورد نظر خود را سرهم بندی کنند.

هی می‌کن الان موقعیت برای این کارها نیست. با بدبختی بود، این کارها به نفع شما انقلاب و مدام کافر است. خوش نشینان همچنین میگفتند " بچه‌های ما درجهب هستند. بچه‌های مالکین بدبختی و گران و بی‌کفایتی را ما بردوش می‌کشیم مالکین که به عمر مفتخوری کردند حالا اینشان نیست، مادریه نمی‌گذایم حتی یک متر زمین هم درست ما مالکین باقی بماند. دولت اگر طرفدار ما مستضعفین است چرا به نفع مستکبرین اطلاعیه صادر میکنند. معلوم منتهجنگ برای اینها خیر و برکت دارد برای ما حرفه و ملاکت که چیزی نداشته. " درگیری داشت شدت میگرفت که بالاخره توافق گردید که سه نماینده از خوش نشینان و سه نماینده از طرف مالکین به سپاه پاسداران نوشته رفتند و فقیه زاحل و فصل کنند. در سپاه پاسداران نیز همچنان خوش نشینان از خواستهای انقلابی خویش دست بردار نشدند و از عمل انقلابی خویش دفاع میکردند و نتیجه این حرکت آن شد که بقیه زمین را هم گرفتند. خوش نشینان پیروزی خود را که در سایه اتحاد و پیگیری بدست آورده بودند جشن گرفتند و با دیگران حقیقت مسلم را ثابت کردند که توده‌های متحد و متشکل همسهم جزو توده‌های نا متحد هیچیز.

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

پیروزباد انقلاب سائوآدور

نقشه از شماره های ۹۶ و ۹۵

معروف ال سالوادوری در ژانویه ۱۹۶۰ میلادی
بود که بر اهمیت کار خود ای تاکید
داشت. تبدیل اعدام او، انشعابی
در ERP صورت گرفت. طرفداران
"ما زمان مقاومت ملی RN" را تشکیل
دادند. این سازمان از دو بخش نظامی
بنام "نیروهای مسلح مقاومت ملی
FARN" و سیاسی بنام "جبهه متحد
عملیات خلقی FAPU" تشکیل گشته
است. "جبهه متحد عملیات خلقی FAPU"
دومین سازمان عظیم مسوده ای در
ال سالوادور است و از حمایت عمدتاً
کارگران شهری برخوردار است. سازمان
مقاومت ملی RN خود را مارکسیست
لنینیست میداند و معتقد است که به از
طریق قیام شهری باید قدرت را بکشد
گرفت.

با قیام ندها ارتش انقلابی خلق
خود را بنام "سازمانی نظامی اعلام
نمود و در کما خود "حزب انقلابی
ال سالوادور" بنام به بخش سیاسی
برپا کرد. "لژیون خلق - ۲۸ فوریه"
نیز نوعی سازمان بوده ای برای
ERP محسوب میشود و از نظر پایگاه
توده ای، سومین سازمان گسترده تودی
در ال سالوادور محسوب میشود. "ارتش
انقلابی خلق ERP" با اعتقاد به تئوری
کانون شورشی دبره "و در نظر گرفتن
رابطه صحیح بین کلاسها و نظامی
نتوانسته در میان کارگران و دهقانان
از پایگاه وسیعی برخوردار باشد و
عمدتاً "نفوذ محدود به محافل
دانشجویی است. "بلوک انقلابی خلق"
همیشه "ERP" را بدلیل گرایشات
آوانتوریستی و پوپولیستی آن مورد
انتقاد قرار داده است. "اعتدالی
جنبش توده ای و کارگران مبارزه
ایدئولوژیک زمینه گسترده ای برای
تصحیح نظرات ERP" پدید آورده است.

جنبش ملی انقلابی



این جریان در ارتباط با سوسیال
دمکراتهای اروپا قرار دارد و در دهه
۱۹۶۰ تشکیل شد. به همراه "حزب کمونیست"
و "حزب دمکرات مسیحی" در اختلاف
"پوپولیسم ملی" شرکت داشت و پس
آن بود تا از طریق پارلمان برای خود
جایی باز کند. بافت اولیه این جریان

روی کار آمدن خوننا و ناسعد آن از طرف
حزب موجب انفرادی بیشتر حزب گردید.
حزب معتقد بود که خوننا خواهان رفوم
صنعتی، اطلاعات ارتشی و دمکراتیزه
کردن حیات سیاسی است. بنا بر این
از یک سو به پیشوا خوننا رفت و از سوی
پیش کش کرد، و از سوی دیگر به چسب
براشی هاشی دربار "خطا پورتونیسیم
چپ" و "ما ورا" چپ همگام با امپریالیسم
پرداخت. تنها در اکتبر سال ۱۹۷۹ بود
که حزب استراتژی قیام برای کسب
قدرت را طرح کرد که البته بسیار دیر
بود. چرا که "اسبهای تروای مریالیسم
خیلی بیشتر با طرح چشم انداز کسب
حاکمیت عملاً رهبری جنبش توده ای را
در کف داشتند و از این روزه شرمزه
مجبور شدند تا همونی انقلابیون کمونیست
را قبول و برنامه و استراتژی آنان را
برای انقلاب بپذیرد.

ارتش انقلابی خلق



و مقاومت ملی (FAPU)

"حزب دمکرات مسیحی" که در سال
۱۹۶۲ تشکیل شده بود، در اوایل حرکت
خود توانست گرایشات خرده بورژوازی
را با خود حمل کند. بدینال وقوع جنگ
و بی گیری سیاست سازش پوپولیسم
"حزب دمکرات مسیحی" و "حزب کمونیست"
نیروهای رادیکال و انقلابی از این
احزاب جدا شدند. جناح چپ حزب دمکرات
مسیحی، به همراه گروه دیگری از نیروهای
چپ فدائیسوی، متشکل از گروههای
چریکی را تشکیل دادند موسوم به
"ارتش انقلابی خلق ERP"
در اوایل تشکیل، "ارتش انقلابی
خلق ERP" منکر هر گونه کار توده ای
بود و با فشاری بر "تئوری کانسون
شورشی"، مسئله تلفیق اشکال مبارزه
رانشی می کرد. اما بتدریج بر سر اهمیت
کار توده ای، بویژه بدینال اوچ گیری
جنبش های دهقانی و موقفت "بلوک
انقلابی خلق" در مورد تلفیق اشکال مبارزه
و ارتقاء مبارزات توده های دهقانان
و پرولتاریای کشاورزی، در درون
این گروه بحث های فراوانی بجریان
افتاد. راک دالتون کارسایا عسری

را گروهی روشنفکر تشکیل میدادند که
در سراب، راهی جدا از سوسیالیسم
سرما بوداری را میخواستند. فرصت طلبی
بسیگران ذاتی این جریان است. به
هنگام بغدرت روسین، بیکیاره بسا
طرح دولتی گردنها و... طرفدار است
خاص حفظ سرما بوداری را رعایت میکند
و با شی نیز نندارده که در برابری توده های
زحمتکش با بستند. و با عدت تضاد بس
جناح های سرمایه داری جهانی و اوچ
گیری جنبش توده ای، خود را همسان
و همسویا زحمتکش نشان میدهد. این
جریان در خوننا ای اول شرکت داشت
و در ژانویه ۱۹۸۰ خوننا خارجواکسون
عمو "جبهه دمکراتیک انقلابی FDR"
مستند.

"بلوک انقلابی خلق"

"ارتش آزادی بخش خلق - فارابوندومارتی"



زمان تشکیل "ارتش آزادی بخش
خلق - فارابوندومارتی" - FPL و پس
"بلوک انقلابی خلق" به سال ۱۹۷۰ بر
میگردد. در این سال بدینال فلسفه
رفرمیسم و رویزیونیسم بزرگمیت
مرکزی "حزب کمونیست" (قبول گذار
مسالمت آمیز و مبارزه پارلمانی برای
دستیابی به سوسیالیسم، راه رشد
غیر سرما بوداری... از یک سو و از سوی
دیگر دفاع کمیت مرکزی حزب از
بورژوازی ال سالوادور در جنگ
هندوراس، انشعابی در حزب پوسوع
پیوست. رفیق سالوادور کار پیوست
(رفیق کار پیوستی از مبارزان با سابقه
و کارگزاران است. او در اعتبارات
سر تا سری ۱۹۶۷، اعتصاب کارگران نانوا
را رهبری میگرد. عضو کمیت مرکزی
حزب به همراه اقلیت حزبی (عمدتاً
متشکل از کارگران) از "حزب کمونیست"
انشعاب کرده و "ارتش آزادی بخش خلق
فارابوندومارتی FPL" را بنیان
نهادند. روند قوام یافتن این جریان از
از زبان رفیق سالوادور کار پیوستا زگو
میکنیم:

"تخصیص گروه، واقعاً از مفسر
شروع کرد. ما فاقد امکانات، مشکلات
گسترده، جنبه مالی و سلاح بودیم
که این آخری اگر هم موجود بود کافی
نقشه در صفحه ۸

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پیروزی انقلاب السالوادور

و گروه دیگر اعلام همکاری نمودند. در این زمان، سالوادور با مسیوا، وزیر آموزش و پرورش خوشتا و مرتبط با حزب کمونیست اعلام کرد که او به ارتش آزادیبخش خلق - فارابوند و مارتی پیوسته است، او گفت که: "راه مسالمت آمیز شکست خورده است، زیرا سیستم سرکوب هرگز از این طریق واژگون نخواهد شد. من میقدم که آن راه برای همیشه به استناد رسیده و تنها آلتربنا تیمی بارز، مسلحانه است. پیش از این "بلوک انقلابی خلق" "جبهه متحد عملیات خلقی" و "لژیون خلق - ۲۸ فوریه"، بیانیتهای صادر کرده و به فرمیت ها اخطار کرده بودند که علیه امپریالیسم و الیکارشی به چپ بپیوندند. چرا که شرایط عینی برای پیروزی انقلاب آماده است. قدرت واقعی از بیطن شده ها میجو شد و فریمیم همچون گل آفتابگردانی، با فخت بسوی خورشید عینیت روی گرداند. "حزب کمونیست" و جنبش ملی انقلابی، بدین ترتیب به برنامه عمل انقلابیون کمونیست کردن نهادند.

تشکیل جنبش متحد خلق، بیشتر یک اتحاد عمل را مطرح میکرد و هنوز در مجموع تاکتیک ها بسیار متفاوت بود. در مارس ۱۹۸۰، سازمانهای انقلابی به بررسی مجدد زمینه های موجود برای نزدیکی هر چه بیشتر پرداختند و شماره این نشست بزبانی همکاری بوده. ای انقلابی، CRM بود. در ۲۲ فوریه ۱۹۸۰، چهار سازمان: "بلوک انقلابی خلق" "جبهه متحد عملیات خلقی"، "لژیون خلق - ۲۸ فوریه" و "اتحاد دمکراتیک ملی" بیانیتهای صادر نمودند که میتوان آنرا بمناسبت بیانیته "وظائف و اهداف انقلاب" در نظر داشت. در این بیانیته وظایف اصلی انقلاب ال سالوادور بدینگونه آمده است:

- ۱- سرنگونی دیکتاتوری ارتجاعی - نظامی الیکارشی، انهدام ماشین سیاسی - نظامی موجود و ایجاد یک حکومت دمکراتیک انقلابی که بر اساس وحدت نیروهای انقلابی دمکرات برپا خواهد شد.
- ۲- پایان بخشیدن به سلطه سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم بر ما به داران و زمینداران بزرگ.
- ۳- قطع وابستگی فاطمانه سیاسی - اقتصادی و نظامی کشور به امپریالیسم یانکی.
- ۴- تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای خلق، بویژه برای زحمتکشان.
- ۵- وسایل اساسی تولید توزیع که اکنون تحت کنترل الیکارشی و انحصارات ایالات متحده است، از طریق ملی کردن و ایجاد تعاونی ها، به مردم تعلق خواهد گرفت. زمینهای مالکین بزرگ، تولید

بقیه از صفحه ۴
نیروهای خودی خودی... این بود دلیل ایجاد کماندوهای مسلح...
با این حال، با این اعتقادی در این راه نهادیم که تنها خلق میتواند جامعه را دگرگون سازد و از ایرونیاز مندرکت در پیروسی بر اساس استراتژی سیاسی - نظامی هستیم که توسط طبقه کارگر و... همگامی دهقانان تهیدست رهبری شود. "بلوک انقلابی خلق"، امروز عمدتاً ترین و بزرگترین سازمان توده ای در ال سالوادور میباشد. بین ۳۰ تا ۲۵ هزارتن در این سازمان، متشکل عمل میکنند. "اتحادیه کارگران مسزراع UFG" و "جنبش دانشجویان انقلابی MRS" "اتحادیه کودکان همگامی UPR"، "اتحادیه ملی معلمان" و... ستون فقرات "بلوک انقلابی خلق" را تشکیل میدهند.

از اتحاد عمل تا تشکیل جبهه

نیروهای انقلابی در ال سالوادور با توجه به اختلافات استراتژیک و تاکتیکی که داشتند، قادر به وحدت ارگانیک با یکدیگر نبودند. اما در قبال جنبش توده ای، تنظیم کوشش های انقلابی، اتحاد عمل ضروری بلافاصله داشت. تمامی نیروها معتقد بودند که وحدت ارگانیک نیروهای چپ در خلال قوام یافتن جنبش انقلابی و شرکت عملی در مبارزات مردم، میسر خواهد شد.

پیش از روی کار آمدن خوشتا، "لژیون خلق - ۲۸ فوریه" و "جبهه متحد عملیات خلقی"، پیشنهاد کردند تا یک جبهه ضدفاشیست علیه رژیم رومرو تشکیل شود. در این جبهه عناصر و جریانات خرد به رزوا و حتی بورژوازی مخالف با رومرو نیز میتوانستند شرکت کنند. اما بلوک انقلابی خلق معتقد بود که هرگونه وحدتی با جریانات خرد بورژوازی و بورژوازی، بدون امرنا مین هژمونی پرولتاریا به منافع و نیز اتحاد کارگران و دهقانان تهیدست لطمه میزند. بدین ترتیب عملاً فکر تشکیل جبهه بدون هژمونی پرولتاریا منتفی شد. در اواخر حیات رژیم رومرو، نیروهای چپ انقلابی، بلافاصله برای مبارزه ارائه دادند همانگونه که پیشتر آمد خوشتا تش کردتا برای به نژواکشاندن نیروهای انقلابی، آنرا در حرف بپذیرد.

از اکتبر سال ۱۹۷۹ تا ژانویه ۱۹۸۰، در حالیکه انقلابیون با یکدیگر وحدت و همیاری در عمل داشتند، اما عملاً نتوانستند به وحدت در چهارچوب تشکیلاتی واحد با یکدیگر کار کنند. در ژانویه ۱۹۸۰، ضرورتها جنبش توده ای در زمینه همکوشی و همیاری نیروهای انقلابی، سبب شد که به سازمان عمده سیاسی - نظامی به همراه "حزب کمونیست" که نقداً از مبارزه پارلمانی منصرف شده بود، "جنبش متحد خلق MUP" را تشکیل دهند. در ۱۲ ژانویه، هفت سازمان

و توزیع برق در سطح کشور، پالایشگاههای نفت، صنایع تحت کنترل انحصارات، صنایع مصرفی و خدمات، تجارت خارجی، بانکها موسسات بزرگ حمل و نقل، همگی در اختیار بخش های گوناگون اقتصاد ملی قرار خواهند گرفت. تنها بانکهای کوچک اجازه فعالیت مستقل خواهند داشت.

- ۶- بهبود زندگی مادی و فرهنگی توده ها.
 - ۷- ایجاد ارتش جدید که اساساً ارتش خلقی بوده و در رویت انقلاب ایجاد گشته و عناصر مسلح مین هرست و قابل اعتماد ارتش فعلی میتوانند در آن شرکت جویند.
 - ۸- تشویق سازماندهی توده ای در تمامی سطوح و در تمامی اشکال به منظور تضمین همکاری خلاق، دمکراتیک و فعال، میان توده ها و حکومت انقلابی.
 - ۹- سیاست خارجی بر اساس استقلال حق تعیین سرنوشت و احترام متقابل بین ملل، شکل خواهد گرفت.
 - ۱۰- موارد بالا، بمناسبت گامهایی در راستای دستیابی به صلح، آزادی رفاه برای توده های ال سالوادور خواهند بود.
- با رشد جنبش، ضرورت اتحاد عمل و وحدت سازمانهای سیاسی، بیشتر و بیشتر مطرح میشود. در اواخر ماه مه، همکاری توده ای انقلابی CRM توانست به اشتراک نظرهای گسترده تری دست یافته و "جبهه دمکراتیک انقلابی FDR" را بوسیله همان برنامه فوق الذکر تشکیل دهد.

چشم انداز انقلاب السالوادور

شهرهایی پس از دیگری سقوط میکنند، نیروهای انقلابی از شمال، منطقه مورازان را آزاد ساخته و به سوی جنوب روان شده اند. تگاپوی انقلابی در جبهه غربی دارد. ادوی زحمتکشان خواهان انقلاب است. و تنها اینان، در ال سالوادور، حتی پزشکان نیز انقلاب را باور کرده اند و به دلیل مداخله کار دملی و گروه های ترور در امر پزشکی و ربسو دن زخمی ها اعتصاب میکنند.

زیبونی رژیم آنچنان است که کارسبا و وزیر دفاع خوشتا اعتراض کرده است که "دشمن واقعاً درخسیده است".

بحران اقتصادی، با هژمونی بلافاصله نیروهای انقلابی در جنبش توده ای و مواضع رادیکال و قاطع آنان، به بحران اجتماعی تبدیل شده است. انقلاب چاره ای جز پیروزی ندارد. این است چشم انداز انقلاب. ارتش گارملی، پلیس و گروههای ترور، تنها با یکدیگر ایامیرالیسم و بورژوازی میبایستند. تجربه نشان داده است که نه تنها انقلاب

بقیه از صفحه ۸

نبود چرا که آگاهی نظامی ندا شتیم. ولی از طرفی میبایست به مردم نشان داده میشد که با تکیه بر نیروهای خودشان میتوانند دوباره بکوه ارتش خود را برافزودند و نشان برپا دارند. ولی میبایست بین بتویق انداختن حل این مشکل از طریق ارائه تشکیلات غیرمتکا ملی که بی خاصیتی خود را به عنوان تنها وسیله ممکن برای مبارزه با شیات رسانده بودند و تشکیلات گماندوهای مسلح یکی را انتخاب حساب میکردیم که ما طریق اخبار را انتخاب کردیم. منظم مردم در این انتخاب این عقیدت بود که اکثر ما در "ارتش آزادیبخش خلق" فارابودن ما رتسی کارگروگسانی بودیم که ریشه در طبقه کارگردا شتیم. ما بسیاری از مبارزات نظامی کارگران را رهبری کرده و تجربه اندوخته بودیم و از این راه بر آگاهی خویش از نیازهای طبقه کارگرا فرود بودیم. ما با این نتیجه رسیده بودیم که پس از سالیان دراز دیکتا توری نظامی که راه انتخابات پارلمانی را پیش روی کشور ما بسته شده است اتحادیه ها بخودی خود ابزار موشری برای بدست آوردن آزادی برای مردم بشمار نمی آید. متقا عد شده بودیم که باب مبارزه محدود در حوزه سیاسی و بخصوص با ابزار سلامت آمیز و قانونی پروری مردم ما بسته است. پس آنچه که نیاز داشتیم این بود که خلق را بقدرت خودشان در تسلط بر ساختار اشکال مبارزه واقف سازیم. از این رویجای یک ساخت حزبی، با ساخت گماندوهای مسلح آغاز نمودیم. ما پس از سالها مبارزه دوشا دوش طبقه کارگر، کارملا" متقا عد شدیم که مردم به تنهایی میتوانند انقلاب کنند. ما با توان عظیم خلق نه تنها در تئوری بلکه در عمل آشنا شدیم. ... پس اگر خلق ال سالوادور به مبارزه میروست، میشد ما هم استقامت زده را به کامهای بهتر و بدون استقامت کارگر تحت استثمار بدل نمود. ... و بدینسان گماندوهای مسلح نقطه آغاز مبارزه شدند.

با این وصف بهتر است اشاره کنم که از همان ابتدا با خط مشی خود چونان برنامهای همه جانبه برخورد میکردیم. گماندوهای مسلح که همان چریک ها بودند، هرگز بعنوان تنها ابزار انقلاب تلقی نمیشد بلکه تنها مقام افراد نخستین را داشتند که دعوتشان به مبارزه برای خلق، چونان دمیدن در شمع بود تا آنان شیوه های دیگر مبارزه را نیز در نظر بگیرند. در عین حال ما نسوی مردم میروستیم تا آنان را چه به مبارزه مسلحانه و چه به مبارزه غیرمسلحانه که خودیبه شدت درگیرش بودیم، ملحق سازیم. بدینسان اولین گماندوهای

مسلح با این تصور دیا لکتیکی بوجود آمدند که در عین حال باید میمان مردم بیرون در میان نشان فعالیت نمابند بنا بر این تنها در عرض چند ماه مفهوم سیاسی - نظامی بودن از مغان واقمیتی بی کم و کاست شد. حال آنکه بنا بر طوا هرامر، مردمیکه از

پیروزی با دانه قلاب السالوادور

تصور دیا لکتیکی ما از این پیروزی آگاه نبوده چنانچه میباید آشنند که برنامهای ما یک برنامهای نظامی است. در مدت کوتاهی که چند ماهی بطول آنها مید، سازمان ما شکل یک سازمان نظامی و سیاسی را بپذیرفت. گویانکه در واقع یک مفهوم دیا لکتیکی توسعه را میپذیرفت یعنی این اندیشه که مردم به تنهایی میتوانند انقلاب خود را انجام رسانند. و اینک ما تا گزیر شدیم با عملیات چریکی آغاز کنیم. مرحله ای گذار بوده و بخشی از یک برنامه همه جانبه بشمار میرفت که مردم را بمقام تسلط بر همه ابزار و اشکال مبارزه میرساند این درک از مبارزه مسلحانه، فاصله زیادی از آن اندیشه دارد که در آن چریک به تنهایی میتواند دیک انقلاب برپا کند و اینک چریک منزوی از طبقه جا بگزین مردم در مهم ترین وظیفه شان جهت انجام تغییرات متعلق به خودشان میباشد.

ما با کمال صداقت میتوانیم بگوئیم که از همان آغاز بر تئوری کانون چریکی (همان کانون شورشی دبره - م) خط بلالان کشیده بودیم. ما بین منظور بمقدار زیادی از تجارب برخی جنبش های چریکی در آفریقای جنوبی و سایر کشورها پیروی نمودیم. جنبش های شیک از طبقه خلق برخاسته بودند ولی در رفتن بسوی آنها جهت سازماندهی شان دچار ناگامی شده و تسلیم طردهای نظامی شده بودند. ... پس از ایجاد گروه های پشتیبانی، تا درجه مینیمی به نفوذ در طبقه کارگرا مثل شدیم. در سال ۱۹۷۲ اقدام در شدیم بسوی

کارگران کاغذ و زری و دهقانان شهیدت پروریم. بسیاری از آنان به سازمان ما پیوستند که این کار را پیوند ما به چریک و جنبش توده ای و بهمان نسبت تا شیرات متقابل ایندورا تحقق بخشید این کار ما را قادر ساخت تا طرح های انقلابی را که پیشتر در سایر سازمانهای انقلابی شاهدش بودیم از خود برانیم. ظاهرا بهمراه رشد نفوذ ما در میان توده ها بنیانی جهت توسعه چریک ها شروع به پیدایش نمود و بهمراه مبارزه جویی افزایش داده توده ها، بنیان گسترده ای جهت قهر توده ای تحقق میافت که به ایجاد گردانهای دفاع از خود و توسعه ملیشیا خلق آنها مید. و روشن است که همه اینها بنویب خود را بسط و ضرورت یک پیشرو سیاسی متشکل در یک حزب را فراهم آورد.

بدون وجود یک حزب، رهبری یک جنبش پیش براننده ای غیر ممکن بود ما نیاز به اقتباس ساخت و جوهر یک حزب مارکسیست که متعلق به طبقه کارگر باشد داشتیم. رهبری یک جنبش پیش براننده ای بدون حزب غیر ممکن بود و هست. از این رو روشن است که ما از طریق غیر سنتی شروع کرده و بهمان

نقطه ای رسیدیم که ظاهرا " نقطه شروع ما محسوب میشد. ... ولی در حقیقت ما دست بگرا را ایجاد در این مرحله بودیم که بنویب خود حزب مارکسیست طبقه کارگرا را ایجاد مینمود. حزبی متشکل از توده ها، نیروهای چریک، ارتشی ملیشیا برای خلقی مسلح، خلقی که برای خواسته های میروم خویش مبارزه میکنند.

کلی مطلب برای ما عبارت بود از کاربرد ساده و ظریف دیا لکتیک. ما بطور وارونه شروع بکار کردیم ولی این همان جایی بود که صیبا بست شروع میکردیم. یعنی ایجاد اوضاع و احوال خاص. ... ما اینک دست بگرا ما چنین یک حزب پر مرحله میسوع آن هستیم با کاردهای که در گوران - مبارزه ساخته و پرداخته شده اند: حزب مارکسیست - لنینیست گسه چریک ها و ملیشیا و ارتش را رهبری میکند. ... توده ها به حزب میپیوندند. ... و خلقی که توسط پیشاهنگ رهبری میشود، تا امر انجام انقلاب را در اختیار خود گیرند.

نحوه پیدایش "ارتش آزادیبخش خلق" - فارابودن ما رتسی، بنیانگر چند نکته جانبی است: دوره نخست ما مسئله چریک یا حزب را بطور ساختگی فورموله نکردیم و اینک کدا میک ارجح تر است و کدا میک اولویت دارد. ما مسئله چریک و حزب را در دروی هم قرار دادیم. نه، ما خود را درگیر هیچیک از جدال های پیچیده لغتی که خاص روشنفکران است نخواهیم کرد. همچنانکه در گذشته نیز در عرقاب بلاتکلیفی ناشی از قرارداد مبارزه مسلحانه در برابر مبارزه سلامت آمیز فرورفتیم. ... سروکار ما با واقعیت عینی در طبقی با چشم انداز روشن، از ساده بسوی پیچیده بود که ظاهرا تصوری غیر ارتدکس از آن داشتیم، ولی تصوری که بغایت دیا لکتیکی بود. ما چنین می انگاشتیم که ذیلی بررودرود قرارداد ایندو شکل مبارزه وجود ندارد، برعکس ایندو ما هم ترکیب و ترویج میشوند. همین موضوع را میتوان در مورد پیوند حزب و چریک گفت، چرا که هر دو آنها متعلق به پیرو توده جامعه ال سالوادور هستند، پیروهای دیا لکتیکی که طی آن رهبری طبیعتا " در اختیار پیشرو انقلابی قرار میگردد. این امر در مورد چریک و خلق بصورت پیوند میان مبارزات چریکی و مبارزات توده ای نیز صادق است و این پیوند مبتایه یک کل با بدنه آن بکار چه باشد که به پیرو رهاسازی جامع، شتایی افزون تر بخشد.

اگر سخن از ترکیب همه اشکال و ابزار مبارزه میگوئیم، و اگر بدهت به وحدتی دوباره ایمان داریم، دیگر چرا این ابزار را در دروی ما قرار دهیم؟ مسئله آنجاست که ما برداشت کرده ایم عبارت بود از نیاز خلق به اختیار شکل گیری از مبارزه و لسی در سطح بالاتر، یعنی مبارزه مسلحانه و نیز نیاز خلق بر کسب اعتماد نسبت به

پیروزی یاد انقلاب

بقیه از صفحه ۹

ال سالوادور، بلکه هر انقلابی دیگر تنها زمانی فرجام می‌پذیرد و منتهی خواهد شد داشت که ارتش، ارگان مدخلی را درهم شکستد و ارتش زحمتکشان را به جای آنان بنشاند.

امپریالیسم آمریکا، ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب را در ال سالوادور تقویت میکند. کمک تبلیغاتی وسیعی گسیل داشتن متاوران نظامی به پاناما و کواتمالا برای آموزش کارهای سرکوب و فرستادن پنهانی شان به ال سالوادور از جمله سیاستهای امپریالیسم یانکی برای سرکوب انقلاب است.

آنانکه روی کار آمدن جناح جمهوریخواه در آمریکا را در راستای اتحاد سیاسی سیما به ترازمان نسب امپریالیسم آمریکا به شمال انقلاب ال سالوادور ارزیابی میکنند، برای این واقعیت باور ندارند که امپریالیسم آمریکا در طول زمان مداری جناح دمکرات نیز سیاستی جز سرکوب و حشانه در قبال انقلاب ال سالوادور نداشته است.

ریگان هنوز به قدرت رسیده است. نیافته، حمایت خود را از خونخواران اعلام کرده است. کنگره آمریکا هنوز از برخورد به انقلاب ال سالوادور، بر سردرگاهی مانده که آیا به ارسال کمک‌های بلاعوضی به خونخواران بدهد یا نه؟ و آیا امیدی به آینده این "کمک‌ها" می‌رود؟ تنها راه حل امپریالیسم، مداخله امپریالیسم، مداخله مستقیم نظامی است و تکرار تجربه سال ۱۹۶۸ دو می‌تواند. اما بقول رفیق سالوادور کار ریویو، رهبر "ارتش آزادیبخش خلق - فارابوند و مارتی": اگر امپریالیسم مستقیماً به ال سالوادور حمله کند، اینجا تا هند و چینشام بخوری خواهد بود.

امپریالیسم آمریکا تلاش دارد تا با گسیل نیروها از هندوراس و کواتمالا و نیز با استفاده از توافق نامه‌های "سازمان کشورهای آمریکای OAS" و بیماهای نظامی، در صورت شکست خونخواران، مانع پیروزی انقلاب گردد. اما اعتدالی انقلابی در کواتمالا، رژیم دیکتاتوری گارسیا را متزلزل تر از آن کرده است که چنین نقشی بعهده سپه گیرد. درهم آمیختگی اقتصاد آمریکای در ال سالوادور سرما به دیگر کشورهای این منطقه نیز سرایت کند، هندوراس نیز از چنین بحرانی بشدت متاثر است.

از سوی دیگر حمایت نیکاراگوئه، کوبا و دیگر کشورهای پیشرو و نیز تمامی انقلابیون در پیته جهان از انقلاب ال سالوادور، هر روز گسترش می‌یابد و این خود انقلاب را در موقعیت مناسب تری قرار میدهد.

در همین ما، انقلابیون کمونیست پیروزی زحمتکشان ال سالوادور را بی‌سیرانه انتظار میکنند. برای

● با وجود ساختمانهای خالی فراوان، رژیم کودکان و نوجوانان بی‌سپرست را آواره کرد تا جنگ زده‌گان را اسکان دهد

مستولان رژیم جمهوری اسلامی بسیار نه اسکان آوارگان و جنگ زدگان کودکان و نوجوانان بی‌سپرست را زارها و در بر در کردند. طبق تصمیم وزارت بهداری و هلال احمر جمهوری اسلامی، بنیاد فیروزآبادی که در آن بیش از یکصد کودک و نوجوان بی‌سپرست و محروم زندگی می‌کردند، منحل اعلام شد تا ساختمان آن در اختیار بیماران و جنگ زدگان قرار گیرد. کودکانی که در این بنیاد می‌زیستند، در بدترین شرایط بسر می‌بردند. و اخیراً هم رژیم جمهوری اسلامی به رغم تمام ادعاها بی‌سپرست حمایت از محرومین، تصمیم به اخراج آن‌ها از ساختمان نشان گرفت. مستولان این بنیاد، تاکنون نیسی از کودکان و نوجوانان را اخراج کرده‌اند، یکی از

این بچه‌ها که هشت سال در بنیاد دیده‌اند، می‌گفت: "از وقتی که از اینجا اخراج شده‌ام، در خانه‌ی یکی از اقوام زندگی می‌کنم ولی آنها نمی‌توانند خرج مرا تا من نماند و اگر بنیاد هزینه‌ای در اختیار من نگذارد، مجبورم هر کاری که باشد انجام بدهم تا زندگیم بگذرد". وی پیرامون وضعیت بنیاد می‌گفت: "در اینجا هم ما را رعایت نبودیم ما حداقل چایی را دادند شام که شب را در اینجا خوابیم حالا نمی‌دانم چه کار کنیم. یکی دیگر از بچه‌ها که ۵ سال در این بنیاد بوده است می‌گوید: "حتی شاه هم ما را تنگم بدجنسی‌اش ما را از اینجا بیرون نکرده، چرا جمهوری اسلامی این همه با ختمان و هتل خالی را نمی‌گیرد برای جنگ زده‌ها، مگر همین یک ساختمان (بنیاد) وجود دارد که مجبور به اخراج ما شده‌اند همه ما بدبخت می‌شویم". این است راه او رسم حمایت () جمهوری اسلامی از مستضعفان و محرومان. در حالیکه ساختمانهای خالی سرما به داران اعمال فراری و غیر فراری، ساختمانهای دولتی و هتلها خالی و بلااستفاده افتاده، تنه‌ها ما من و پناهگاه محروم‌ترین کودکان و نوجوانان را بسیار آواره می‌کنند.

این نام‌ها برادر رفیق شهید اکبر فخور برای سازمان نوشته است که ما همین آنرا در "کار" چاپ می‌کنیم.

به رفقای اقلیت در کار شماره ۸۶ مورخ ۱۵ ذر "کینه مرکزی" عکس و تفسیری راجع به شهید اکبر فخور برادر اینجانب آمده است که توضیحاتی را در این مورد لازم میدانم: ۱- وی از زمان ابتدای انشعاب هوادار سازمان (اقلیت) بوده و حتی کمکمالی به سازمان می نمود. ۲- شهید بدون هیچگونه

همکاری با ارگانهای حکومتی (سی-سی-سی، سپاه، ارتش) به این کار مبادرت ورزیده و قسمی جز در کنار توده‌ماندن نداشته، وی معتقد بود که از این طریق میتوان توده را به سمت نیروهای مترقی بخصوص سازمان (اقلیت) سوق داد. ۳- البته جدل بر سر تاحیب شهید نیست بلکه هدف حفاظت از حیثیت و نشان دادن وفاداری وی به طبقه کارگر می‌باشد چرا که اکثریتی بودن راستگویی و خباثنی به جنبش کمونیستی می دانست از اینرو همواره برای افشای ماهیتشان می کوشید. بهرام فخور

انقلابیون کمونیست، انقلاب ال سالوادور، درس‌های عظیمی به همراه دارد. تسلیم نگشتن به اغوی رفقمیت‌ها و خاشین به طبقه کارگر دریدن پرده انقلابگری دروغین از چهره ضدانقلاب بقدرت خوییده، پای فشردن، قاطعانه پای فشردن بر مواضع کارگران و دهقانان تهیدست و حتی لحظه‌ای نیز وظیفه تسخیر انقلابی قدرت و فراهم کوفتن ماشین دولت سرما به داری را فراموش نکردن از آن جمله‌اند.

انقلابیون کمونیست ال سالوادور پرهم سرخی را که همچون ماه سال پیش توسط رفیق فارابوند و مارتسی در راستای برپائی ال سالوادوری‌تاری از مسم و استثمار، ال سالوادور و سوسیالیست برافراشته شده بود، امروز پیروزمندان تحت رهبری "بلوک انقلابی خلق" و ارتش آزادی بخش خلق - فارابوند و مارتی - هم چنان بردوش می‌برند. غمگسسان پایدار باد!

پایان

توضیح

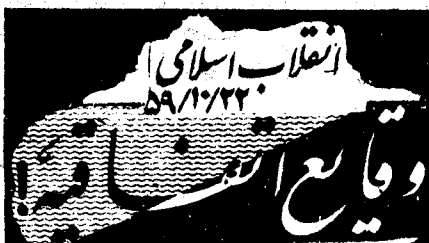
در اعلامیه "فدائیان خلق چه می‌گویند" که در آذرماه سال از سوی سازمان منتشر شد، درجایی نوشته شده است که "فدائیان خلق تنها نیروی هستند که به کمران از منافع توده‌های زحمتکش دفاع میکنند". بکار بردن کلمه "تنها" در این اعلامیه تا درست بوده است. اگر گفته می‌شد که کمونیستها تنها نیروی هستند، در آن صورت کاملاً درست بود از آنجا شیکه این اعلامیه تنها از مواضع فدائیان خلق صحبت می‌کرد و با هدف تبلیغی نوشته شده بود، این اشتباه رخ داده است بدین طریق توضیح داده می‌شود که ما خود را تنها سازمانی نمی‌دانیم که از منافع توده‌های زحمتکش دفاع می‌کند بلکه علاوه بر سازمان، گروه‌ها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی دیگر هستند که آنها نیز از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کنند.

و زحمتکشان می گویند:

حسابهای ۸۸۸ و ۲۲۲ صلاحیت دریافت کمکهای مردم را ندارند

وضعیت استقبار بیش از یک میلیون آواره جنگی در حاشیه شهرها و قصبه‌ها و کوچک و بزرگ امروزه یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شده است. آنقدر که حتی حاکمیت هم با استفاده از تمام مویسایلی که در اختیار دارد دیگر نمی‌تواند روی آن سربویش بگذارد. مردم دیگر تبلیغات دروغین رژیم را در مورد آوارگان باور ندارند و ندیده تلویزیون، رادیو و آوارگانهای مطبوعاتی - دولتی اعتماد نمی‌کنند چرا که به عینه موقعیت آوارگان، گداشی گرسنگی، بیماری کودکان، رنگ پریده و رزان رنجور را می‌بینند و از خود می‌پرسند پس میلیونها کمک مالی و جنسی ما چاره‌دهنده است؟ مگر نه اینکه آثار

ما ملو از مواد غذایی و ما محتاج برای آوارگان است! مگر نه اینکه ما حتی از نان شب خود هم گذشتیم تا هموطنانمان جنگ زده ما لقمه نانی داشته باشند. مگر نه اینکه تاکنون بیش از ۶ میلیون ریال فقط کمک مالی به حسابهای رنگارنگ رژیم وارد شده است پس چرا گرسنگی و بیماری هزاران آواره جنگی را تهدید می‌کنند؟! در همین رابطه در روزنامه انقلاب اسلامی ۲۲ دیماه مطلبی آمده است تحت عنوان "کمک به جنگ زدگان و..." که نه تنها سرنوشت میلیونها ریال پول مردم زحمتکش بلکه ما هیت اختلافات حکومتی را هم با زگو می‌کند "پس از افتتاح حساب ۲۲۲ از گوشه و کنار مملکت اخبار و گزارشات مختلفی در زمینه کارشکنی برای واریز پول به حساب ۸۸۸ به روزنامه رسیده که... پرسیدنی است که چرا شروع کار حساب نخست وزیری در حساب رئیس جمهوری اختلال ایجاد کرده است؟! در همین مطلب آمده است که این حسابها برای جلوگیری از پراکندگی کمکهای نقدی باز شده اند و اگر ریگی به کفش آقایان نباشد چه فرقی دارد که پولها به حساب رئیس جمهوری وارد شود یا به حساب نخست وزیری؟! روزنامه انقلاب اسلامی بدنبال همان مطلب این معما را بدین صورت بازمی‌کند که "در شرکت بها مسی زغال سنگ البرز شرقی در استان سمنان (شاهرود) با اطلاع کلیه کارکنان و کارگران تصمیم گرفته میشود از مهر ۵۹ تا پایان جنگ هر ماهه یک روز حقوق دستمزد به این حساب (۸۸۸) واریز شود اما پس از افتتاح حساب ۲۲۲ تلفنگرامی از سوی آقای اصغر نیسا صادر میشود که مقرر میشود از دیماه ۲۲۲ واریز بشود که مشخص است ناراضی است پرسنل برانگیخته است



و یایع انتم سابقا...
کمک به جنگ زدگان یا...؟!
پس از اینکه عنوان شد برای جلوگیری از پراکندگی (!) کمکهای نقدی هموطنان جهت باری به جنگ زدگان حساب ۲۲۲ هم افتتاح شده است از گوشه و کنار مملکت و ایضا شهر تهران اخبار و گزارشهای مختلفی در زمینه کارشکنی برای واریز پول به حساب ۸۸۸ به روزنامه رسید که مشخصترین آنها سرگذشتی بود که بر برادران ما در میوان گذشته و آنها برای واریز مبلغ مورد نظر خودشان به حساب ۸۸۸ مجبور به مسافرت به تهران شدند که متن نکوایه‌شان در شماره انتشار یافت.
اجیرا! اطلاع پیدا کردیم که پس از افتتاح حساب ۸۸۸ از سوی دفتر ریاست جمهوری جهت واریز کمکهای نقدی هموطنان برای جبران خسارت خواهران و برادران جنگ زده در شرکت سهامی زغال سنگ البرز شرقی در استان سمنان (شاهرود) با اطلاع کلیه کارکنان و کارگران تصمیم گرفته میشود از مهر ۵۹ تا پایان جنگ هر ماهه یکروز حقوق و دستمزد به این حساب (۸۸۸) واریز شود، اما پس از افتتاح حساب ۲۲۲ تلفنگرامی از سوی آقای اصغر نیسا صادر میشود که مقرر میشود از دیماه ۲۲۲ واریز بشود که مشخص است ناراضی است پرسنل برانگیخته است

ا داده‌ها ردجیب گشاده‌آبایان را انباشه کنند، کارکنند، عرق بریزند و زجرهای زن و بچه‌شان بردارند تا حساب رئیس جمهوری لبریز شود و آقای رئیس جمهوری را غنی و خشنود کرده، روزنامه انقلاب اسلامی در سوره اینکجه جراح حساب ما قطع شده و حساب نخست وزیری ریخته شده است نیم صفحه مطلب می‌نویسند. می‌زنند افشاگری می‌کنند ما حتی یک کلمه در باره واقع و خصم جنگ زدگان نمی‌نویسند حتی یک کلمه به سرنوشت ما معلوم میلیونها ریال کمکهای مردم اشاره نمی‌کنند و املاقی خمیسی هم‌ندارد چون انقلاب اسلامی به خوبی آگاه است که کمکهای مردم، جنب چه کسانی را برپا کرده است اگر همه بخشیم می‌آید و افتخاری می‌کنند صرفا به این دلیل است که رقیب موقع تقسیم غنائم با استفاده از موقع غالی که در حاکمیت دارند با صدور یک فرمان نان حساب ۸۸۸ اجرا کرده است هر چند که این مضمی از خروار است منتهی همین نمونه‌ها که از آن است که جا رو جنبه‌هایی که حناهای حاکمیت بر علیه هم برآند انداخته اند از کجاست می‌گیرد از یک هدف مشترک یعنی بدست آوردن رهبری درجه‌اول مردم!

اما مردم در تجربه روزمره خود در طول دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی به وعده و وعیدهای بی‌پایان واقف شده اند و استفاده‌های متعددی را که این رژیم از اعتماد آنها کرده است هرگز فراموش نخواهند کرد و اکنون بی‌برده اندر رهبرانی که بدون توجه به شرایط و خصم زندگی آوارگان بر سرهم خود به جک و چانه می‌پردازند به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند و انواع شماری حسابهای چنین حاکمیتی هم ملاحظیت دریافت و توزیع کمکهای آنها را ندارد این حسابها نه در خدمت رفع نیازهای آوارگان جنگی بلکه در خدمت جیب‌های هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان می‌باشند حال آنکه تجربه روزهای قیام که شوراها و اقمنی هر صنف، مستقل، مؤسسه با کارخانه صالح‌ترین مرجع برای دریافت کمکهای مردم می‌باشند از جانب دیگر برای توزیع کمکهای جمع‌آوری شده (شوراها کمک رسانی مردم)، شوراها مستقل آوارگان صالح‌ترین مرجع توزیع کننده می‌باشند از این رو ما می‌گوئیم اگر حکومت جمهوری اسلامی در رابطه با دریافت و توزیع کمکهای مردم نمی‌تواند عاقلانه عمل نماید خود را کنار بگذرد و ما تسخیمکاری مردم با آوارگان بشود.

پیش سوی تشکیل شوراهای کمک‌رسانی در خدمت شوراها و مستقل آوارگان

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



پیام

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت سالگرد قیام

شکوهمند خلق ورستاخیز سیاهکل

سالگرد قیام مسلحانه و سوا لنگرد حنا سیاهکل فرا می رسد. در آستانه این دوسالگرد شکوهمند و خوین تاریخی، درودهای آتشین و تهنیت های پرشور ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران نشاء خلق های رزمنده و قهرمان ایران باد!

۹۷ سال پیش در ۱۹ بهمن ۱۲۶۹، آنگاه که میهن در هوای زلزله آتشین سکوت و خفقان، به سنگینی نفس می کشید و دیکتاتور سوری همارو عیان گسیخته رژیم شاه، در سرتاسر میهن گسترده بود تا بزرگ از بزرگ تجدید و آب آرزو نگان نخورد، رنگبار مسلسل فدائیان خلق؛ فضای سنگین سکوت را در هم شکست و طنینش از قلب کوهها و جنگلهای شمال گذشت، تمام میهن را در نور دیده و پرچمی سرخ، به تازگی آغا ز جنبش نوین، در آستانه ایران بهاءتزاز درآمد:

نبردی حماسه آفرین آغا ز شد و بر سالیها بی عملی و خیانت، خط بطلان کشید و آتش شوری تازه را در دل خسته خلق شعله ور کرد. سره حماسه آفرین کمونیستها آغا ز شد و با همه اشتباهات و کمبودها پیش سرخ و بویسنده از میدانهای اعدا و شکنجه گاهها سزا فرا گذشت و شکنجه شکن و شکست ناپذیر یکبارچه درس ایمان و از خود گذشتگی و مقاومت شد و در میان توده های ستمدیده، در خانه و خیابان و کارخانه ها و مزرعه، جوانه های مبارزه را با خون آبیاری کرد.

نبردی حماسه آفرین آغا ز شد تا فرهنگ نوین مبارزه را با اوراقی سرخ، و اوراقی سرشار از ایما به طبقه کارگر و عرش به توده ها با آتش و خون بنگارد، نبردی حماسه آفرین که با شکوه مندش زمینه به سینه در میان کارگران و زحمتکشان امروز و فدای میهن خواهد رفت و پرچم سرخ در جریان جنبش انقلابی توده ها دست به دست خواهد گذشت و این پرچمی که امروز در دست سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اهتزاز است پرچمی است که با مبارزات فدائیان خلق در هر شهر و ده، در هر کارخانه و مزرعه، در زیر شکنجه، اعدام و زندان برافراشته شده است. فدائیان که با گامهای پولادین و قلبهای آتشین پیش آمدند و سراسر انجام پیروم سازمان چریکهای فدائی خلق، پرچم سرخ راه را برای کارگران و زحمتکشان میهن را، دوشادوش و پیشاپیش توده ها بر فراز قیام خوین بهمن ماه ۹۷ برافراشتند.

رژیم مزدور شاه در اوایل دهه ۵۰ سرنگونی خود تمام دستگاه قهر و سرکوب ضد خلقی خود را با بهره گیری از تمام تجربه های سرکوب امپریالیسم و ارتجاع جهانی به کار گرفت تا مرکزها نه های آتش را که فدائیان خلق در جنگلهای سیاهکل برافروختند، با دیو و غوغا، تظاهرات و تبلیغ، با گسترش شبکه های جاسوسی و تطمیع و تهدید با شلاق و شکنجه و اعدام، مها رو آنگاه خاموش کند. او این آتش را که بمشابه نخستین شعله های سرخ، از دهانه آتشفشان در دور رسج و مبارزه توده های زحمتکش و به نشانه انفجاری عظیم در آینده ای نه چندان دور، با طنینی شکوه مند، برخاسته بود، علیرغم ترقیهای مذبوحانه رژیم از هر شعله کشید و شعله در شعله افزود و ده آلمان زحمتکشان را تا آستانه انفجار انقلابی توده ها، همچنان سرخ و روشن نگاه داشت تا سراسر انجام که انفجار شکوه مند خشم و کینه فرو خورده توده ها فرارسید. میلیونها زحمتکش، میلیونها شعله آتش، در سراسر میهن - این کوه آتشفشان انقلاب - در هم پیچیدند و با رده های آتشین خشم و کینه طبقاتی خود را از اعماق ستم بر آوردند و بر سر دوش و تانک و مسلسل رژیم فرو باریدند. صدها هزار نیروی مسلح رژیم مزدور به معاصره انفجار قهر و انقلابی توده ها درآمد. تا نکجا به غیبا با آنها ریختند. آتش مسلسلهای رژیم به سوی مردم گشود شد. دیوارهای سرنیزه به حرکت درآمد. اما خلق برای رهایی برخاسته بود و از ارتش رژیم مزدور شاه، ارتش سرکوبگر و ضد خلقی نظام وابسته، کاری ساخته نبود.

دیگر سبیل آتشی خشم توده ها، غرور برداشته بود و سرتان داشت تا رژیم مزدور شاه و امپریالیسم را یکجا بر روی دیو به پرتگاه نیستی در افکند.

خلق قهرمان ایران در جریان توفنده مبارزات آشکار خود و بهنگامی که بحران انقلابی، مردم گسترش و زرفرائی تازه می یافت مظهر قهرمانی و از خود گذشتگی بی مانند و شجاعت و بیوزگی ویژه، شکوه مند و تازه بر تارخ جنبش های انقلابی جهان افزود. قدرت توده ها که در اعتماد های عظیم اعتمادی و سیاسی و در مینیتنگ و راهبیمائی های میلیونهای مسیخ و رشید و بیست مرتجعان و دشمنان خلق را به لرزه افکنده بود به عالی ترین شکل مبارزه تکوین یافت: قیام مسلحانه خلق آغا ز شد و توده های مسلحسوی با دگانها غرور برداشتند.

در درختان ترین روزهای جنبش انقلابی توده ها، روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن ماه ۵۷ نظام ۲۵۰۰ ساله سلطنتی!! که از سراسر امپریالیسم بطلان تاریخ بر آن کوفته شده بود، با قدرت لایزال توده ها و خروش خلق آتش مسلسلهای خلق بگورستان تاریخ سپرده شد و توده ها به نخستین شمره عظیم جنبش انقلابی خویش - سرنگونی رژیم شاه - دست یافتند: دستاوردی که تنها میتوانست شمره قیام مسلحانه خلقهای رزمنده و بیباک ستم میهن باشد. اما رسالت انقلاب، رسالتی عظیم تر بود. خلق برای کسب استقلال، کسب آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک، برای برانداختن تمام نهادها و ارگانهای ستم و سرکوب، برای تابوئی تمام دشمنان خلق، تمام طبقات ستمگرو برای ایجاد زندگی نوین بپا خاسته بود. اما انقلابها و تجربیات انقلابی توده های زحمتکش بیرونی نشان داده است که در عمر ما هیچ انقلابی نمی تواند به پیروزی قطعی دست یابد مگر آنکه رهبری آن در دستهای نیرومند طبقه کارگر، این طبقه دوران ساز قرار گرفته باشد. و با زاین تجربیات جهانی نشان داده است که انقلابها همواره از دوسو تهدید می شوند: از سوی بازان نیمه راه، یعنی نیروهای که بنا به موقعیت و منافع طبقاتی خود در معرض نزول و نوسان، جبین و بیزدلی، و... سازش خویشات قرار گرفته اند و نیز از سوی دشمنانی که گریز و آریه لیباسی میشد در مناسبات ابتدائی در مقاطع و دوران های انقلابی، در کنار توده ها قرار گیرند و با انقلابیگری دروغین انقلاب را به کجراه برند و تارخ بکنند.

انقلاب ایران نیز از این گزند برکنار نماند. دوران انقلابی زمانی فرا رسید و زمانی توده ها از زحمتکش میهن چون سبیلی خروشان بر بستر یک بحران انقلابی به حرکت درآمدند که بر اثر اعمال دیکتاتور شکار و سرکوب خشن رژیم مزدور شاه از جدا نشدن شکل و آگاهی لازم برخوردار نبودند و طبقه کارگر، این یگانه طبقه ای که تا ریح رسالت دگرگونیهای این عمر راه سربنده های قدرتمند و پولادین او سپرده است از آن شکل و آگاهی طبقاتی که به پیشوانه آن بتواند، هوشیار و آگاه، سکان رهبری جنبش خلق را به دست گیرد و جنبش را از آسیبها و خطراتی که آن را تهدید می کرد در برابر توده های بیرونی قطعی، برساند، برخوردار شود. درست در چنین شرایطی بود که نیروهای سازشکار و متزلزل از یک سو و گریزگامان میهن نشان از دیکتاتور رژیم مزدور شاه را از یک زحمتکشان، به ویژه کارگران ربنوده و توده های نا آگاه، اما سراسر از شور و انقلابی، به کسانی اعتماد دگر دنگه رسالت نشان تنها در هم شکستن جنبش و سبستن در راه انقلاب بود! و بدینگونه، همزمان با سرنگونی رژیم مزدور شاه، قدرت سیاسی را دیکتاتور حاکمیتی توده انقلابی قبضه کرد که دولت بازرگان و "شورای انقلاب" مظهر مستلوران بودند.

فدا انقلابی که از همان فردای در دست گیری قدرت، چهره های گوناگون آراست و با بهانه ها و دستاویزهای رنگ به شیوه های تازه و کهنه سرکوب و تحمیق روی آورد و با تکیه بر اعتماد توده ها که از نا آگاهی و زودبیاوری آنها سرچشمه می گرفت، به مقابله با انقلاب برخاست، اما توده های که قدرت خود را در قیام مسلحانه، سنجیده بودند و از آن به تجربه درکی غنی و تاریخی داشتند با وجود اعتمادشان به حاکمیت همچنان در جهت اعمال اراده و قدرت خود، پیش می آمدند تا در جریان تداوم انقلاب خواستهای آنها و آرزوهای خود را برآورند. نبرد میان تداوم - انقلاب - توده ها - توقف انقلاب - حاکمیت - نبردی بی پایان میان انقلاب و فدا انقلاب است که هر لحظه برداشته و شدت آن افزوده می شود. مبارزه آشکارا و پنهانی علیه سرمایه داران، دهقانان و طبقه زمینداران، مبارزه خلقهای تحت ستم برای رهایی از ستم ملی، مبارزه در راه رهایی از فئودالیسم و کسب استقلال، مبارزه برای حفظ و گسترش آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک هر چند با افت و خیزهای همراه است همچنان ادامه دارد - شوراها که هنوز به بنحوی، بسیار با عمل اراده توده ها هستند با وجود توطئه ها و سرکوب آشکار فدا انقلاب همچنان با برجا هستند. فدا انقلاب حاکم با همه شیوه ها - سرکوب خلق و پیشگامان رزمنده اش، هنوز نتوانسته است مقاومت توده ها را بکلی درهم شکند و آنها را از منصفه سیاسی براند.

رژیم جمهوری اسلامی دو سال است که میکوشد تا ابتکار انقلابی توده ها را با هرگونه نیرنگ سرکوب ممکن از آنها سلب کند و دستاورد های انقلاب را فروگرداند و از آنها بی راکه خلق با خون هزاران شهید در توفان انقلاب و آتش قیام پرورده است بسینه نابودی کند. میکوشد تا شورا های توده ای را از منصفه مبارزات بزده و بگرداند. آنها را از محتوای انقلابی تهی سازد. رژیم جمهوری اسلامی هرگونه اترافات و خواسته های برحق زحمتکشان را سرکوب کرده است و سرکوبی خلقهای قهرمان کرد و سرکوب و حرب و... بر آنها فرود آورده و فدا انقلابی را دنبال می کند.

رژیم جمهوری اسلامی که به بازاری نظام سرمایه داری وابسته گمراه است همواره و همزمان با بکارگیری ارگان های تازه سرکوبیها را احیا، ارگانهای ستم و سرکوب گذشته بر داخته تا با قدرت هر چه بیشتر به سرکوب خلق بپردازد و همچنین است که دیگر با رسل و شکنجه و کشتار انقلابیون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی پهن می شود و نیروهای انقلابی به زندان و شکنجه و ترور و اعدام سپرده میشود.

چگونه می توان جز خیانتهای گوناگون به جنبش طبقه کارگر آنها بی گناه ارتداد نسبت به ما رکسیم - لنینیم در پیش گرفته اند می توان. این خواهد مسلم را ابتکار کنند و از حاکمیتی انقلابی، خلقی و فدا مهربان نیست سخن گویند؟ اکثریتی های جناح راست که بتمام آرمایه و دست های مبارزاتی، فدا نشین خلق پشت پا زده، به طبقه کارگر و توده های زحمتکش میهن خیانت کرده و راه سازش با بورژوازی را در پیش گرفته اند می گویند که ما سوء استفاده از نام، مبارزات و قهرمانیهای فدا نشین خلق، با این وظیفه ها شناخته خود را انجام میدهند، توده ها را بفریبند و بر اساس زشت و شکست سوق دهند.

با این همه توده ها تسلیم پذیرند. کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان خواهان پیشبرد انقلاب و تداوم و پیما با آن است می تواند مبارزه بیکر خود را علیه امپریالیسم و برای برانداختن نظام سرمایه داری و راه بسته هر چه بیشتر ما را بخشد. از دیدگاه توده های زحمتکش مبارزه فدا مهربان نیستی یعنی تداوم انقلاب و تداوم انقلاب یعنی برانداختن نظام سرمایه داری وابسته به معنی سلب مالکیت از سرمایه داران و سرکوب آنها. یعنی معادله زمین های زمینداران بزرگ به نفع دهقانان، یعنی اعمال اراده کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان از طریق شوراها. یعنی آزادی و دموکراسی برای خلق و اعمال لایحه توری و سرکوب علیه فدا خلق. اما دولت جمهوری اسلامی سرخشان در برابر انقلاب سدی بندد و در راه درهم شکستن اراده توده ها از هر وسیله ای استفاده می کند تا بگر توده ها آرام کند و انقلاب را درهم شکند. با این وجود فدا انقلاب حاکم در بحرانی اقتصادی و سیاسی است و با میزنده و از آنها که رویه مبارزاتی توده ها و اشکال مبارزه آشکار آنها بکلی فروکش نگردیده است و جوسپاسی حاکم بر جا همه از جو شتابناک است. حاکمیت تاکنون نتوانسته است به اهداف خود دست یابد.

اکنون توهانات توده ها نسبت به حاکمیت در جریان فروپاشی مداوم است. دو سال تجربه بی پایان مبارزاتی از یک سو، و شرایط سخت با روشواری که هم اکنون با آن دست به گریبانند، از دیگر سو به آنها می آموزد که برای رهایی از ورطه شرایطی چنین دشوار راهی جز توده مبارزه و تداوم انقلاب نموده است.

بحران اقتصادی موجود، زندگی زحمتکشان را در تنگی و بیکاری، گرانسی و بی خانمانی دردم می نشاند. زندگی میلیونها میلیون زحمتکش ما در نتیجه های مہیب بیکاری و فقر سیاه خورنده و فروپاشی شده است. ششین فریاد اعتراض زحمتکشان از گرانسی سرمای آور فضای آشفته میهن را آکنده است. دو میلیون آواره جنگ زده، گرسنه و بیمار، در شهرها و قریه ها سرگردانند. شیرازه اقتصاد از هم گسیخته است و دولت جمهوری اسلامی حتی یک گام اساسی در جهت تامین کار و معیاش برای آنها نکرده است. بحران تمام سنگینی را بر گرد زحمتکشان فرو آورده است و جنگ در این میان سرمایه داری است که سنگینی درد و رنج توده های زحمتکش را سنگین تر کرده است. هزاران زحمتکش در ایران و عراق قربانی این جنگ ارتجاعی شده اند و توده ها میلیون زحمتکش در کشورهای همسایه های این جنگ جنایت بارنده مردمی را در میان تلخی از جراحت و کشتار برودش می کشند. اکنون این سرما به داران هستند که از روی اجداد کشتگان جنگ، از میان در دورنج و بی بدستی توده های زحمتکش، خرمن اسکناسی بود دلار سرمایه داران و وجیب های گشاد و پرنشدنی انعامات امپریالیستی و کپشه های خود را بر می کنند. زحمتکشان در این جنگ تا عادلانه تر با بی جاه طلبی ها، پرتی طلبیها و منافع و طامع دودولت سرمایه داری شده اند.

در این شرایط که هر لحظه و غامضی تازه بر و غامضت زندگی توده های فزایدنا توانی هیئت حاکمه در حل مشکلات و معاش توده ها، همان آشکار است که در پرده هیچ کتمان نمی کشند. این تا توانی هیئت حاکمه در حل مسائل و مشکلات توده ها و حل بحران موجود بر شما دای درونی آن تا شیر گذارده و این تفاوهارا تشدید کرده است.

اکنون که حزب جمهوری اسلامی بسیاری از مواضع قدرت را در اختیار گرفته است لیبرال های فدا انقلابی از قماش جنبه ملی، نضت آزادی و... بدور بینی مدبر جمع شده و میکوشند تا دیر نشده، در پی حمله بحران، تا رفاقتی توده ها را علیه حزب جمهوری اسلامی سازمان دهند و با انگشت گذاردن بر شیوه های سرکوبگرانه حزب، عوام فریبانه خود را مدافع آزادی، مدافع حقوق و مآمن بهبود شرایط اقتصادی زندگی توده ها بنمایانند تا توده ها را با این نیرنگ به پشتیبانی خویش در آورند. اما بحران اقتصادی و سیاسی موجود مردم دامنه میگرداند و زور نمی خورد و جناح های فدا انقلابی حاکمیت تا توان ترازانند که بتوانند در این بحرانها فاشی ایندور شد و گسترش تاریخی توده ها را از جوش و غلیان بازدارند و بدینگونه چشم اندازی که در برابر ما گسترده است فلکست بیشتر، اقتصادی از هم گسیخته، تشدید بحران سیاسی و اجتماعی مبارزات آشکار توده ها است. و با چنین چشم اندازی است که وظیفه ای بس عظیم و سنگین بر عهده نیروهای انقلابی ایران قرار دارد. با بدبا تمام نیروی دست بکار شد و به مراسم زنده و رهبری توده ها همت گماشت.

با بد شرایط بحرانی و حواس گشودنی را با تمام عمق و وسعت آن دریافت و جدی و مسئول، به سازماندهی توده ها پرداخت و برای اشکال متنوع مبارزات توده ای آماده شد.

بگوئیم در همه جا و با هر گامی که گسترش و تداوم انقلاب را در کارخانه ها، مزارع، مدارس و... پیش ببریم. بگوئیم در کوچه ها و خیابان ها و محله های تجمع، با حضور فعال و انقلابی خویش، جریان انقلاب را زنجیره های سازش و فدا نت بر ما نیمه از دستاورد های خونین و شگوهمند انقلاب به دفاع بر خیزیم.

بگوئیم بیکر و خستگی ناپذیر، بی پایان و سازش ناپذیر در راه آزادی خلق، در راه آرمان کارگران و زحمتکشان مبارزه کنیم و خطه ای از رنگ ننمائیم.

بگوئیم همگام با مبارزه علیه امپریالیسم، با ششین به طبقه، کارگر، حزب توده و اکثریتی های جناح راست را که عوامل مزدوران بورژوازی در جنبش طبقه کارگر هستند فدا و از جنبش فرود کنیم.

ما ایمن داریم قدرت لایزال توده ها هر سد و مانعی را در گذرگاه هر فراز و فرود تداوم انقلاب درهم خواهد شکست.

میرزا داد انقلاب، نابود باد خدای انقلاب

مرکز پراصل و تنظیم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امپریالیستیک و پانگامه داخلی



اخباری به نقل از:

"خبر" نشریه شاخه گیلان

سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران

"خبر" نشریه شاخه گیلان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران منتشر شد. در اولین شماره خبر که بتاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۵۹ منتشر شده است خبرهای کارگری، روستایی، دانشآموزی و دیگر اخبار دگرگونی را در منطقه و نیز بزرگداشت یادشدهای دینامی سازمان، درج شده است. رفقای سازمان در گیلان در مقاله‌ای تحت عنوان (انتشار "خبر") از ضرورت انتشار یک نشریه خبری منطقه‌ای سخن گفته‌اند و اینکه در مقابل جواختنای و ناسورد در راه پیوستن بیرون مطبوعات، اخبار مبارزاتی خلق باید بگوش توده‌ها برسد.

ضمناً روزی بیژری و موفقیته در پیشبرد این وظیفه رفقا، اخباری از نشریه "خبر" را در کار می‌آوریم:

● بیانیه کمیته احیاء اتحاد شوراهای انقلابی کارگران گیلان

پس از سازش برخی از نمایندگان کارگران با کارفرمایان، اتحاد شوراهای کارگران گیلان عملیاتی و منحل میگردد. نمایندگان کارگران از کارخانه‌ها اخراج میشوند و جواختنای بر کارخانه‌ها حاکم میگردد. دولت سرمایه‌داری با همکاری سازشکاران به خواست خویش می‌رسد. اما کارگران پیشرو مبارز با بررسی شرایط موجود از حرکت باز ایستاده و "کمیته احیاء اتحاد شوراهای انقلابی کارگران گیلان" را تشکیل میدهند. این کمیته در تاریخ ۱۵/۱۰/۵۹ بیانیه‌ای انتشار میدهد. در این بیانیه اهداف و وظائف این کمیته برای کارگران توضیح داده شده است که بخشی از آن عبارت است از:

- ۱- جلب حمایت کارگران در مقابل قوانین ضد کارگری و تهیه خواسته‌های مشترکشان و اعلام رسمی آن و ارتقاء مبارزه برای گرفتن خواسته‌ها.
- ۲- جلب حمایت از مبارزات کارگران هر کارخانه در مقابل کارفرمایان و عملیات.
- ۳- متحد ساختن کارگران برای گرفتن بودویزه‌ها، میال و متناسب نمودن مبلغ آن با توجه به بلارفتن هزینه برآمده و زندگی.

- ۶- متحد ساختن کارگران برای افزایش حقوق سالانه با توجه به بلارفتن قیمت اجناس مورد نیاز و تورم کمربند.
- ۷- برگرداندن نمایندگان مبارزان و کارگران انقلابی اخراجی به سرکار.
- ۸- حمایت بیدریغ از خواسته‌های برحق کارگران بیکار.

● جمشید آباد رودبار

شورایستگرمطمن روستائیان

شورای محل برای کاشت قطعیه زمینی که سابقاً متعلق به صاحب یکی از کارخانه‌های آجرپزی بوده و امروز در اختیار رهنمایان قرار داده گردیده است. پس از مدتی سرگردانی از جانب مسئولین به آنها گفته میشود که اگر بر روی زمین این مالک کشت کنند سرکوب خواهند شد، اما مقاومت شورا در بهره‌برداری از زمین باعث شد که مسئولین مجبور شوند به این روستای تقسیم زمین به روستا فرستند.

● سیاهکل

روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین "توتکی" زمینهای با بیرون‌نگلی را در اختیار گرفته و زمین‌ها را با دگرگونی آنها برمی‌آیند. بخشدار سیاهکل با سداری و مامورین حفاظت جنگل به محل رفته و با دستاویز قرارداد قطع درختان یک روستایی را به بیست هزار تومان جریمه کرده و بقیه را تهدید می‌نمایند که اگر به کار دادا دهند آنها را توقیف خواهد کرد. وقتی مردم با فشاری کرده و علت را میپرسند بخشدار میگوید:

بعلت کم‌آبی سال گذشته، امسال مجبوریم آب را جیره‌بندی کنیم، از این رو نیاید زمین تازه‌ای آب‌دگرگونی کنیم، کافی برای مزارع داشته باشیم.

● لوشان

اول اعزام بعد اخراج

در تاریخ ۱۶ دیماه کارگری از بیس کارگران کارخانه نمایان لوشان برای رساندن کمک‌های مردم به منطقه جنگ زده اهو از انتخاب و اعزام میشوند.

پس از ۲۵ روز گدازن کارگری کارخانه بازمیگردد، رئیس کارخانه حکم اخراج وی را صادر میکند. همچنین رئیس کارخانه به کارگری مجبور میگردد: نمایندگان ما موریت از مراجع اهو از نیابوری حق کارکردن مجدد در کارخانه را نخواهی داشت.

● رشت

کارخانه فروش گیلان

مدیران استان کارگران مدبر عامل مورد قبول کارگران رشت را می‌شنود و شخصی بنام باقری که عضو حزب صدا انقلابی جمهوری اسلامی است به سمت مدیر عامل جدید تعیین میگردد. کارگران مبارز فروش گیلان با این عمل ضد انقلابی اعتراض نموده و مدیر عامل جدید را از کارخانه اخراج می‌نمایند. استاندار ضد مردمی برای درهم‌شکستن مقاومت برحق کارگران دست به توطئه‌ای جدید میزند و حکم اخراج دوازده نفر از کارگران را از طریق "باگسازن" صادر می‌نماید. نمایان و کیسل مجلس به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی میکنند و میگویند اگر کارگران مدبر عامل جدید را به کارخانه راه دهند سودی قادر است که مانع اخراج آن دوازده نفر شود. کارگران پس از مشورت به این خواست تن میدهند تا کارگران اخراجی را به کارخانه بازگردانند و متحداً مبارزه علیه سرمایه‌داریان را به پیش برند.

● رامسر

همکاری حزب جمهوری اسلامی

با "کمیته مرکزی"

اخیراً همکاری حزب جمهوری اسلامی با "کمیته مرکزی" (اکثریت) از سرور همکاری در انجمن‌های اسلامی (نفتی) عقاید) در مدارس و کارخانه‌ها ترغیب است بطور مثال در تاریخ ۱۵ دیماه کتاب فروشی (الهیان) متعلق به حزب جمهوری اسلامی توزیع اعلامیه‌ها هواداران "کمیته مرکزی" را عهده‌دار بوده است. فروشنده در پاسخ سؤال یکی از مشتریان در این رابطه می‌گوید: اینها فقط اسم فداانی هستند، ما رسماً و در عمل ثابت کرده‌اند که فداان دولت جمهوری اسلامی هستند.

پرویز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

جنگ دولتهای ایران و عراق علاوه بر خرابیها و بیخانمانی ها و آوارگی های مدها هزار تن را ز هموطنان زمینکش ما، برای کارگران و کارمندان مناطق جنگ زده حاصلی جز بیکاری و آوارگی نداشت.

واقعیت اینست که اگر مردم جنگ کنونی را عادلانه و قابل دفاع میدانستند با جنگ و دندان از سر زمین دستاوردهای توده ها دفاع میکردند هم چنانکه دیدیم مردم قهرمان و بی تمام شمالی در مقابل با حملات و خشونت های امپریالیسم آمریکا چه چاه ها - آفریدند و زن و مرد و بچه، بی پروا جان کارگران و روستایی هر کجا می به نحوی در هملج شرکت کردند. اما وقتی چنین نباشد دولت هم شرایط ابعثی برای مردم فراهم نمیکرد با شدواض است که نمیتوان از مردم انتظار داشت در منطقه جنگ زده بمانند و گوشت دم توب شوند. آنوقت در چنین شرایطی دولت چاره را در این می بیند که با صدور بخشنامه مو تهدید و تطمیع کارگران و کارمندان را و ادارا زده در مناطق جنگ زده باقی بمانند.

تصویب نامه دولت که در تاریخ ۸/۸ در رابطه با کارمندان مناطق جنگ زده صادر شده است از جمله این شاه کارهای اولیاء امور است این بخشنامه پس از آنکه از فداکاری ها و جانفشانی ها و شجاعت های کارکنان قدرداران نیز کرده تکلیف کارکنان را بشرح زیر تعیین میکند: "۱- به افرادی که به وجودشان در سازمان خود نیازی نیست... ولی در منطقه جنگی برای دفاع... خدمت کنند حقوق و مزایای آنها بطور کامل پرداخت

کارکنان مناطق جنگ زده با آوارگی و بیکاری دست بگریانند

جنگ، بینا برای این مطابق این جویندگی افرادی که به وجودشان نیازی نیست با تداوم حقیقت بطور غیر مستقیم به خدمت زبستر پرجم احفار شده اند و در صورت عدم جنگی اخراج و یا حداقل وضعیتشان بحسب ال تملیق درآمد و حقوقشان قطع میشود. در بند ۲ این بخشنامه می خوانیم: "به افرادی که در مناطق جنگی نیازی نیست وجودشان نیست و خودشان موافق باشند مرخصی بدون حقوق داده میشود. ترک است به کارها موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود. ۳- با این خود مرخصی اخراج کارکنان مناطق جنگ زده موافقت نیست ۴- برای آوارگان که تمام هستی خود را در این جنگ فیرا داده اند از دست داده اند، مرخصی بدون حقوق چه مفهومی دارد؟ و ترک است به کار در صورت موافقت مسئول یعنی چه؟


این جز اخراج کارمندان و کارگران برای همیشه معنی دیگری دارد. بطوری که می بینیم در این بند گفته شده: "چنانچه خودشان موافق این مرخصی بدون حقوق باشند... حال با بدبختی در مورد کسانی که موافق نباشند چه چاره ای اندیشیده اند؟ زیرا پرواض است در چنین اوضاعی که جانی با بحران بیکاری روبرو بوده و هیچکس امکان پیدا کردن کار را ندارد، چگونه ممکن است کارمندیان کارگری تقاضای مرخصی بدون استفاده از حقوق کنند؟

بند این بخشنامه ماهیت ضد مردمی خود را به منتضای درجه نمایان میسازد: "۵- کارکنان نیکه بدون اطلاع و موافقت مسئولین محل خدمت خود را بقیه در صفحه ۱۶

میشود. توجه کنید که دولت چه بیدل و بخشش کرده است! اگر کارکنان دولت زبیر توب و خمپاره بدون هیچگونه امکان ابعثی و آموزش و آمادگی لازم تا دم مرگ انجام وظیفه کنند اگر زنده ماندند دولت جمهوری اسلامی لطف کرده! و حقوق جفا آنها را خواهد پرداخت. در بند ۳۰۲ این بخشنامه خاطر نشان میگردد: "کارکنان نیکه در منطقه جنگی خود و یا سایر مناطق جنگی به وجودشان نیازی نیست، موظف به انجام وظیفه هستند و در صورت عدم تمکین اخراج و یا حداقل تملیق درآمد میشود."

در اینجا لازمست مفهوم مورد نیاز بودن کارکنان روشن شود. در مناطق جنگی تمام ادارات و موسسات دولتی وابسته کارشان تعطیل و یا نیمه تعطیل بوده و در نتیجه بوجود اکثریت قریب با اتفاق کارکنان نیازی نیست مگر برای جنگیدن و یا خدمات مربوط به

- ۱- به افرادیک در مناطق جنگی نیازی به وجودشان نیست و در مناطق جنگی مرخصی بدون حقوق داده میشود. ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۲- کارکنان که در مناطق جنگی و در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۳- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۴- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۵- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۶- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۷- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۸- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۹- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.
- ۱۰- کارکنان این سازمان که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران
نیروی پاسداران
سازمان آموزش و پرورش

بخشنامه و اطلاعیه به کارکنان و کارمندان دولت

با شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی ایران و روبروش کار با ایلام و خوزستان مسلمان و قریبان به چپه جنگ عزیمت کرده و با جان و مال خویش به دفاع باطل شتافت. در این شرایط قهران خلق قهرمان چپ باز کارکنان دولت که شجاعت و شجاعت شهیدانند و چه بسیار کسب فرستادند و این تمام توان با تار جان داده اند. بیایید چشمانتان شتافتند. اکنون جای آن دارد که دولت جمهوری اسلامی ایران این باران صدف دولت را با اسباب گویه و گریخته های خویش را شتافتگان سازد.

به دنبال بروز شرایط ویژه گونی و به منظور همین تکلیف کارکنان دولت در مناطق جنگی مراد زیر به تصویب هیئت وزیران رسیده.

۱- به افرادی که در مناطق جنگی خدمت کرده اند و ترک است و موافقت مسئول سازمان مربوطه در منطقه جنگی برای دفاع با امور مربوطه، جهت خدمت کنند، حقوق و مزایای آنها بطور کامل پرداخت نشود.

۲- افرادی که به وجودشان در مناطق جنگی نیازی نیست، موافقت مسئولین واحد مربوطه بکار خود ادامه دهند و در صورت استخفاف اخراج یا از خدمت دولت معلق میشوند.

۳- افرادی که به خدمت در مناطق جنگی نیازی نیستند و دیگر به وجودشان نیازی نیست، با این مطابق بطور مؤثر با امور مسئول بکار مشغولند. با این است در صورت عدم تمکین طبق شواهد، کارکنان یا کارگران اخراج و یا حداقل بصورت تملیق درآمد و حقوق قطع شود.

سازمان آموزش و پرورش
وزارت آموزش و پرورش
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۲۳



کارکنان مناطق...

بقیه از صفحه ۱۵

ترک شما بنده غایب محسوب شده و طبق مقررات از کار برکنار میشوید. تصور کنید که در شهرهای متعادل عملات و سیمای برای از برای این شهرها میگردند و سیمای این شهرها میگردند و سیمای این شهرها میگردند... (بقیه متن در متن اصلی درج شده است)

و مزایای آنان در مدت محببت سپرداخت نخواهد شد. و بگذریم که قدر این بند غیر معقول تنظیم شده و کارگر با کارمندی که از این مناطق آوار شده است و تمام همتش متوجه بدر بردن جانش است. قدر آمان کار در اینجا با ناله خودی را به آواز سر برده معرفی کند، واقعیت نشان داده که دولت بعرف خودی هم عمل نکرده است. یک نمونه بارز وضعیت کارگران شرکت بناد در گمشده ایران جنوب (بندر خرمشهر) است که روزها در تهران راه میروند. چندی از آنها که توانسته اند به تهران بیایند، یک نمونه بارز وضعیت کارگران در گمشده ایران جنوب (بندر خرمشهر) است که روزها در تهران راه میروند. چندی از آنها که توانسته اند به تهران بیایند...

پرسیدنی است خرمشهر و قصر شیرین و مهران... که به اشغال نظامی عراق درآمد است چگونه زیرا تورپتیک دولت است که کارکنان معادل دوماه حقوق بصورت پاداش در یافت کنند؟ این بخشنامه و بخشنامه های این چنینی خود بسیار ناگوار است طبق اساسی حاکمیتی است که این جنگ ادا میسازد. این است که این جنگ ادا میسازد. این است که این جنگ ادا میسازد...

رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!

رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!	رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!	رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!	رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!
رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!	رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!	رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!	رقبا، هواداران با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

دولت بزرگترین عامل گرانی است

اکنون بزرگترین موسسات اقتصادی کشور، دست دولت متمرکز شده اند، بخش عظیمی از تولید و توزیع توسط دولت صورت می گیرد، بخش مهمی از واردات در اختیار دولت است. باین ترتیب دولت که در نظام شاهنشاهی نیز نقش آقما دی قابل ملاحظه ای داشته بود، پس از دولتی شدن پاره ای از صنایع و بانکها و... در تطبیق سرنوشت اقتصادی مردم زحمتکش نقش بسیار اهمیت تری پیدا کرده است. هر حرکت بخش دولتی اقتصاد، اثراتی شدید و چند جانبه در رفتار بخش خصوصی و از جهات مختلف در تمام زندگی اقتصادی جامعه به جا می گذارند از این دیدگاه است که میتوان به استناد ارقام و اطلاعات و بررسی های اجتماعی اثبات کرد که دولت یکی از بزرگترین مسببان گرانی بوده است.

در این گفتار سخن خود را به نقش مستقیم دولت به عنوان عامل اقتصادی یعنی فروشنده کالاها و خدمات محدود میکنیم و به نقش اجتماعی دولت در مهار کردن قیمت ها که برای جلوگیری از بالا رفتن هزینه با تولید نیروی کار ضرورت دارد و به خصوص در شرایط بحران سیاسی ای که جامعه ما در آن قرار گرفته، اهمیت فراوان دارد، نمی پردازیم سیاست اقتصادی رژیم سابق به ویژه پس از افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ برای ما به قرار داشت که در تامین و توزیع بعضی اقلام مصرف عمومی از قبیل نان، فند و شکر و گوشت مستقیماً مداخله کند و در موارد دیگر نیز هرگاه احساس کمبودی می کرد، به واردات اقدام می کرد و خود آنها را از طریق درآمد نفت و غیره جبران میکرد. این سیاست هدف های گوناگونی را تعقیب می کرد و عواقب متفاوتی داشت. از هدف های آن میتوان راضی نگه داشتن بعضی اقشار جامعه جلوگیری از رشد نا رضایتی توده ها پائین نگه داشتن سطح هزینه رانام برد و از عواقب آن میتوان جلوگیری از رشد تولیدات داخلی به ویژه محصولات کشاورزی را یاد کرد.

رژیم جمهوری اسلامی که بنام مستضعفین و در واقع برای نجات نظام سرمایه داری، حکومت را در اختیار گرفت، برای حفظ نظام سرمایه داری می بایست دست به اصلاحات و تغییراتی بزند که نتواند اقدامات رگواگون و "مستضعف سرمایه داری" ایران را راضی کند و هم خود نظام را در نظر توده های زحمتکش مشروع جلوه دهد. مادر صفحات روزنامه به تفصیل درباره این گونه اصلاحات که از

طرف نمایندگان بخشهای مختلف سرمایه داری عنوان شده و به نوعی اجراء گردیده، نوشته ایم و در این فرصت به توضیح بیشتری نمی پردازیم.

یکی از این تمیيزات و اصلاحات آن بود که دولت به بهانه تشویق تولید داخلی و تامین "خودکفایی یعنی در واقع برای تقویت بورژوازی متوسل، برخی از آن کمک هزینه ها را که اصلاحاً "سوپسید می نامید، حذف کند. استدلال بسیار ساده و در عین حال غلط بود: پرداخت این کمک ها موجب میشود که تولیدکننده داخلی انگیزه ای برای تولید داشته باشد. با یک قیمت ها را شناور و آزاد گذاشت تا مکانیسم عرضه و تقاضا موجب بالابردن سطح تولید و تامین "خودکفایی" شود. و بدین ترتیب بود که مهار ز کرده، قیمت ها برداشته شد و بورس قیمت ها بردار آمد زحمتکش که مزد و حقوق ثابتی دارند آغاز شد. غلط بودن این استدلال در آنجاست که رسیدن به آن هدف یعنی تقویت تولیدکننده داخلی، به ویژه با وجود درآمد نفت، نیازی به این برداشته ضرورتاً "افزایش قیمت از جهت کوچک زحمتکش تا مین شود. بسیاری از اقما ده های سرمایه دار نیز میباشند که کالا را به قیمتی تضمین شده از تولید کننده می خرند و به قیمتی ارزانتر در اختیار مردم می گذارند، زیرا سرمایه داری گوناگون حفظ نظام سرمایه داری چنین اقتضاء میکند.

دولت جمهوری اسلامی بر اساس این حقیقت که نرخ خریدکننده ارضای با هزینه تولید آن ندارد و موجب دلسردی تولیدکنندگان (که البته مورد نظر دولت تولیدکنندگان سرمایه دار بود) میشود. نرخ خریدکننده ما زار را افزایش داد و به این ترتیب کوشید جبران مافات را بکند. روشن است که عمدتاً "مصرف کنندگان شهری بودند که نان را به بهائی کمتر از قیمت واقعی می خریدند و دولت بر اساس این حقیقت ناگهان قیمت فروش کندم و آرد به تابوایی ها را بالا برد و به ۴۰ ریال رساند و زحمتکش از یاد نبرده اند که این کار توسط بنی صدر صورت گرفت، همان چهره ای که می گوید خود را حامی آزادی خواهان رفاه و ترقی مردم معرفی کند.

التمه این سیاست نتوانست تولیدکننده را بالا برد و این نکتته را گزارش تولیدکننده ورزی امثال بخویی ثابت می کند: نیاز به واردات کندم افزایش یافته و سطح زیرکشت به دلایل جنگی، اقتصادی و غیره کاهش یافته. اما تا شرایین سیاست در قیمت

ارزاق عمومی بسیار سریع بود. قیمت نان تا گهان بالا رفت و به کیلوگرمی ۲ ریال که دولت تعیین کرده بود محدود نشد. این افزایش قیمت آرد در کالاهای دیگر مثل نان بیسکویت، شیرینی و غیره اثر گذاشت و قیمت این مواد نیز بالا رفت. اما مهمترین قیمت آن است که نان قوت لایموت زحمتکش است و می دانیم که در بسیاری از خانواده ها ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه را قیمت همین "نان خالی" به خود اختصاص می دهد. افقای حکومت جمهوری اسلامی بود که به آنکها توجهات و سرپرستی توده های زحمتکش نتوانست به این آسانی به درآمدنا چیز آنها حمله کند و چنین کرد. دولتهای پیشین همیشه دست و دلشان در مورد افزایش قیمت نان می لرزید و مستقیماً و با این شدت قیمت آن را افزایش نمی دادند.

ولی قیمت نان در عین حال شایع قیمت سایر کالاهاست. اگر چنین کالای مهمی گران میشود و آنها به دست خود دولت، چرا دیگران چنین نکنند و این دیگران از چه قماشند؟ سرمایه داران تولیدی و بازرگانان "محترم" و بدین ترتیب بود که به دست پرتوان بنی صدر دورتا زهای از معهود قیمت ها آغاز شد که بتدریج در تمام عرصه های زندگی را برای توده های محروم روز به روز دشوارتر می کند.

نمونه دیگری از این سیاست داهیات (!) قضیه قیمت گوشت است. این بار هم دولت جمهوری اسلامی به عنوان حمایت از تولید داخلی و "خودکفایی"، قیمت گوشت را بالا برد و از ۷۵ ریال به ۱۳۵ ریال (گوشت منجمد و گوشت تازه) به ۲۵۰ و ۴۰۰ ریال رساند. واقعیتی که اینک از نظر بعضی از انسا آکاها ن مکتوم مانده این است که مبتکران این سیاست همین بنی صدر معوم و (!) مظلوم است. او هم از یک حقیقت شروع کرد: قیمت گوشت در سطح کشور برابریست. فقط ساکنان تهران و چند شهردیگر هستند که از گوشت ارزان دولتی استفاده می کنند. تکلیف روستا شیان و سایر مردم شهرهای دیگر چه می شود؟ تازه همین قیمت ارزان دولتی باعث شده که دامداران به تولید دلگرم نباشند! چاره کار چیست؟ کمک دولت را حذف کنیم و سیاست قیمت را به سطح قیمت واقعی یا لایبریم (که در آن موقع نزدیک به ۴۰ تومان بود). منتهی پس از این روش عدالت جوانه، مبتکر "اقتصاد توحیدی"، سابقه قیمت نادر سطح بیده در صفحه ۱۸

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد

بشماری از صحنه ۱۷

دیگری آغاز شد و قیمت گوشت در بازار آزاد به کیلو شوی ۶۰۰ الی ۷۰۰ ریال رسید. اگر تا بحال زحمتکشان گاه می خجولانسه احوال قیمت گوشت را می رسیدند، دیگر سعی می کردند از جلوی قصابی رد شوند تا این سیاست بود که صف خرید گوشت از بسین رفت! و سر سرمسران تولید داخلی چه آمد! مسران تولید به گواهی ارقام دولتی کاهن یافت و ضرورت واردات افزایش گرفت، البته به دلایلی متفاوت که موربعثت نیست، بدین ترتیب قیمت دورقم عمده زکالی مصرفی توده ای یعنی نان و گوشت به دست دولتی توانا ودانا (۱) با لاف دست و جواز افزایش با بر قیمت ها ما در شد و در وجه مسابقه قیمت ها برای تصرف تنه در آمدن از جهیز زحمتکشان شروع شد. به بهی است قیمت گوشت کوفته و گسار در قیمت سایر انواع گوشت که می توانند جانشین آن باشند، اثر می گذارد و به این گونه بود که قیمت گوشت مرغ از کیلو شوی ۲۰۰ ریال به ۳۰۰ ریال رسید (البته در این مورد دولت نیز جواز "آزادی" قیمت ها را قبلا" صادر کرده بود. کمی می گوید دولت مخالف "آزادی" است؟)

و با زهمین دولت جمهوری اسلامی بود که قیمت شیره و است و سایر محصولات با ستوریزه را با لای برد در مورد شیران را از پانگش غریبال به ۱۰۰ ریال رساند و "طیبا" این افزایش شامل حال پنیر و گوشت نیز که از خارج وارد می شد، گردیده. طوری که قیمت گره که در آستانه، قیام هر بسته ۱۰۰ گرمی ۱۶ تا ۱۸ ریال بود اکنون (اگر بشود پیدا کرد) به ۲۵ تا ۳۰ ریال رسیده است.

دولت طرفدار "مستضعفین" ناگهیان به بادش آمد که قیمت فروش بنزین به معرف کنندگان خصوصی کمتر از قیمت واقعی آن است (و البته با تخصی نداشت با مکتب آیه قیامه نداد بگوید که اساس معا سبه ای قیمت فروش به کمیانی های نفتی است و نه هزینه" واقعی تولید) و مدعی شد که مصرف بنزین مربوط به طبقات بالای جامعه است و از یاد برد که چند میلیون نفر در ایران در اثر سیاست "هر ایرانی یک پیکان" (که هنوز هم ادامه دارد، منتهی به بهانه حفظ سطح تولید) و نبودن وسایل عمومی حمل و نقل، اتومبیل دارند و ناچارند که داشته باشند و با زبه مرفه- و صلاح نزدیک نبود که بفهمد این افزایش مجوز افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات می شود

حالب این که نخست وزیر مکتبی حتی مدعی شد که این افزایش قیمت، در واقع افزایش نیست و گفت که "ما بنزین را گران نکردیم" و جالب تر اینکه، "قبلا" گفته بود که این افزایش ارتباطی با شرایط جنگ ندارد و بعد مجبور شد بگوید که وقتی جنگ با پانگش "ما هم این محدودیت را از میان برمی داریم". (خطاب به مجلس در ۲۷ ی ۵۹۰).

دولت بزرگترین عامل گرانی است

● در شرایطی که هیچ نظام موثری برای کنترل قیمتها وجود ندارد، دولت از تنظیم امر توزیع کالاها ی اساسی عاجز است

از آخرین ابتکارات دولت جمهوری اسلامی، افزایش نرخ قند و شکر برای مغارف عمومی (قنادی و...) بود. اکنون کار به جایی رسیده است که به علت کم بودن میزان سهمیه و نادرستی در توزیع سهمیه آن، قیمت قند و شکر در بازار آزاد به کیلو شوی ۲۰۰ ریال و بیشتر رسیده (البته اگر پیدا شود. که برای داراها همه چیز پیدا میشود) و قیمت کشمش، خرما، توت و هر "شیرینی" دیگر که می توانند به جای قند مصرف شود، دوسه برابر شده است.

و قیمت شیرینی ها و بیسکویت و مواد غذایی آنها نیز با لاف (لا بدر) پاسخ خواهند گفت که اینها "اسلام مصرفی طبقات بالاست!". دهقان خراسانی و برزگر آذربایجانی را به یاد آوریم که خستگیش را با چاندلیوان چای از تن درمی کنند و با قند در به قیمت ۱۰۰ ریال بخرد و چگونه زحمتکشان شهری با پداریکی از محدودتفریحات غنود، یعنی نوشیدن چای و قهوه خانه ها صرف نظر کنند. (در این میان معلوم نشد چرا دولت مکتبی نرخ سود فروشنده گان سهمیه قند و شکر را بالا بردند.)

حکومت "مستضعفین" به عنوان بگر ابتکار دیگر قیمت سیگار را بالا برد. آن هم تحت این عنوان که وقتی سیگار مشا به خارجی در بازار آزاد، یعنی بازار قاچاق با لاف است، باید قیمت سیگار را بالا برد. ناگهان قیمت انواع محصولات دخانیات را با یک اقدام "انقلابی" دوبرابر کردند و در این مورد نیز به علت نبودن نظام توزیع قیمت سیگار داخلی در بازار آزاد به مو بر با بر قیمت رسمی (یعنی چهار برابر نرخ دولتی سابق) رسید. زیرا دولت از سوی دیگر نتوانست میزان تولید را با لای برد و به عنوان "معدا فی سیاست" نه شرقی ته غربی" به جای وارد کردن سیگار روینستون برای جبران

کمبود تولید داخلی، سیگار "آزادی" را از یلغا رستان و سیگار "بهن" را از سوسیس وارد کرد (منتهی برای خالی نبودن عریضه طراحی بسند سندی و انتخاب نام آنها توسط ابراسان صورت گرفت. ما چرای افزایش قیمت برق هم از همین قبیل است. ظاهرا مراسن است که این افزایش فقط شامل حال مصرف کنندگان مرفه میشود (که در مورد خانوادهاائی که بر جمعیت هستند و با خانوادهاائی که کنتور برق مشترک دارند درست نیست). اما نکته اصلی همان است که در موارد دیگر گفتیم: وقتی دولت به عنوان پیشگام اقتصاد به خود حق می دهد قیمت

کالاها ی خود را بالا ببرد، بخش خصوصی نیز بخصوص اگر در زمره "تجار وابسته به حزب جمهوری اسلامی باشد، صد البته که حق دارد قیمت ها را بالا ببرد با ذکر این نمونه های برجسته از "شاه" کارهای دولت جمهوری اسلامی است که درمی با بیم دولت خود "پشتاز" گرانفروشی و بشوق سایرین بوده است می دانیم که فقط زحمتکشان مزدگیر حقوق بگیر هستند که در اثر تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم این افزایش ها، مجبورند هر روز گره تر از پیش از سفره بر خیزند و این تجار و سرما به داران - هستند که هر روز با طرمان گسترده تر می شود. و این زحمتکشان هستند که در شرایط جنگ و سردرگمی های سیاسی و توهم های مذهبی توانسته اند تسلط خود را برای حفظ سطح زندگی بخور و نمیر خویش مان دهند و خواسته های خویش را قاطعانه مطرح کنند. و این دولت است که راهگشای قریه شدن این "ستون ستبرای انقلاب" و تنگدستی آن توده های زحمتکش واقعاً "انقلابی" می شود.

در شرایطی که هیچ نظام موثری برای کنترل قیمت ها وجود ندارد، دولت از تنظیم امر توزیع کالاها ی اساسی عاجز است، در شرایطی که تولید در همه رشته ها کاهش یافته،

در شرایطی که دولت نمی تواند و حتی نمی خواهد کنترل واردات و توزیع کالاها ی وارداتی را در دست بگیرد، و بالاخره در شرایطی که دولت خودش قیمت کالاها و خدمات اساسی را بالا ببرد، چه کسی جز دولت جمهوری اسلامی را میتوان مسبب اصلی تورم چهار رنعل کنونی دانست؟

در شرایطی که دولت نمی خواهد جلوی حیات سرما به داران وابسته را بگیرد (چون "جا قودسته اش را نمی برد") چه کسی جز دولت مسبب اصلی گرانی طاقت فرسای کنونی است؟

این توده های زحمتکش هستند که در فضای آوارگی، بیگاری، گرانی و کمپانی کالاها و دشمنان پیش از پیش زبر با زندگی خم می شود.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



دونا که نیستند مجبور و لشون کنند
من نمیدونم چرا این ما مورهای دولت
بالای شهیدانشون نمیشه اما همینکه
چندتا آدم بدبخت مثل ما پیدا میکنند
توسرفمون میزنند "همان نپیرمرد گفت
"معلومه آقا آدم وقتی برای پولدارها
وسرمایه دارها کارکنند و آنها را حمایت
کنند بیکه نمی تونه بتوسرفون بزنه
آنوقت جیره و مواجشون قطع میشه
و ازبست و مقام می افتند" آقا شی که
بقیه پالتویش را با لایزه بودوشال کردن
چهارخانهای هم داشت گفت "دولت
حق داره شما ها اشتباه کردید که رفتید
ملک مردم را غصب کردید یک چیز هم

طلبکارید " همان کارگرها عیبا نیست
"ببخود کرده که حق قاره ا طلا کسوم
ملک، مگر با رواج کم آورد شیرده جان
ما بدبخت بیچاره ها را کشیده که تویست
این ملک را بخره " پرسیدم "با این
خط و نخونی که شهرداری کشیده و چند
نفری که دستگیر کردند معلومه "دولت
دست از شما ها برنمیداره خوب شما
چکار می کنید؟" کارگر در حالیکه بیلتش
را از روشناش بر میداشت نگاه می بیه
محوطه خانه ما زی کرد و گفت "این تو
بمیری از آن بوسمیری ها نیست اولندش
که باشه در کمیته را در میاریم که
اون چند نفر از ازاگندند و مندنش گیر
همه ارض و توپ خانه و مسلسل ها تون
را هم بیارن هیچ غلطی نمی تونید بکنید
مردم این حوالی همه طرفدار ما هستند
یا همین جلوشون می یستیم" (بیلش را
نشان داد) و دست پیرش را گرفت و
خدا حافظی کرد و رفت.

شهرداری اراک دهکده ها را خواب کرد!

شهرداری اراک سیزده فکر زیبا تری
شهر را افتاده و بعنوان اولین اقدام
خود، بسراغ دهکده ها رفت.
بعد از ظهر پنجم بهمن ماه، ماموران
شهرداری اراک برای جمع کردن دهکده
های کناره خیابان که هر کدام با بدزنتگی
نقیرا نه چندین نفر را تا مین کشند و هر
یک بخاطر بیگاری، گران و فقرو گسترده
وروز افزون برپا شده اند، رفتند و بینه
دهکده داران گفتند شما به زیبای شهر طبقه
زده ا بدویا بدفورا دهکده ها بتان را جمع
کنید. دهکده دارها همگی به شهرداری رفتند
و ضمن اعتراض به شهرداری گفتند: اگر
میخواهید ما دهکده ها بتان را بزرچینیم
با پدیم کار بدهید. پس از مدتی بحث و
گفتگو شهرداری گفت "ما کار نداریم
بشما بدهیم.

فر دای آنروز به دهکده ها حمله شد و
تعدادی از آنها را خراب کردند ما همان
دهکده ها مجدداً برای اعتراض به شهرداری
ر میشتند و با هم بدون جواب باز گشتند و
به با رسانی دهکده های خود پیدا کردند. دهکده
دارها بلاکار زده های بروی دهکده های خراب
شده خود دست کرده بودند یعنی برابنکده
"چرا ما کار نمی دهید؟ ما چگونه باید
زندگی کنیم و ..."

از میان گزارشها

مردم چه می گویند، مردم چه می خواهند؟



غراقیها را بیرون کنند که آمدن زندگی
مردم وسایه کردند بعد به بیادسروقت ما،
خیلی از اینها آواره جنگی هستند که
با فرض قوه از این واون دارن یک
چهار دیواری میسازن می بینی هر
خونه فقط یک اتاقه با چهار تا دیوار
گفتم "حق تونه نوش جان تون، وقتی
آقای بنی صدر ۱۶ میلیون تومان فقط
خروج دفترش می کند دولت چه حقی دارد
به شما حرفی بزنه " یکی از کارگرها
(راست میگویی؟" سندی را که به امضاء
رئیس جمهور بود نشان دادم کارگر
دومی با چهره برافروخته تفری روزمین
انداخت و گفت "تف با این روزگار ۱۶
میلیون تومان! عجب پولی!"
دوشنبه پدیم ساعت ۵/۵ بعد از ظهر
بودخسته و کوفته بودم. ساعت ۱۲ از کارگاه
آمده بودم بیرون به طرف جاده
وفا داران رفتن تا سروکوشی آب سد
و گزارشم را کامل کنم نزدیک منطقه
خانه سازی، اجتماع هندفرفری که
مشغول بحث بودند توجه ام را جلب کرد.
کارگر مستی که لباسش کاملاً خاکس
بود، یک بیل رودوش گذاشته بود
و دست یک پیر بچه ۵ - ۴ ساله را گرفته
بود می گفت "امروز ساعت نیم بعد از ظهر
از طرف شهرداری ما مورپا سدا رآمده
بود می گفتند که بیخودی زحمت نکند
بزودی همه اینها را با بد خواب کنند و
چند نفر را که به آمدن آنها اعتراض
کرده بودند با خودوشون بردند " پیرمردی
دست پیسته بسته ای را زدرو گونه اش و با
مدای بی گفت "عجب دولت مردمی معلوم
نیست چه بلائی سرفون بیا ورنه کارگر
گفت" نمی توند کار بشون کنند بیکس

بجسده ۴ دیما ه تعداد زیادی آخر
در فستقهای مختلف در شمال جاده
وفاداران ریخته شده است و مردم
ریادی بسرعت مشغول ساختن خانه بیسند
نزدیک کزوهی که منتظرا تویون بودند
رفتم و حریان را از کارگری که چندکسه
سلمان را با کاری دستی حمل میگرد
پرسیدم: "مثل اینکه مردم خودوشون دست
بکار رهندند؟" جواب داد "اره دیگه مجبوریم
کسی که بفکر مون نیست همیشه بدبختی
برای ما بدبخت و بیچاره هاست بعدا قسم
برای گرفتن این کسه های سلمان از
با اسادم " مردمن چهارشانه ای که
کت و سلوار چروکیده ای پوشیده بود گفت
"عجب چاشی هم انتخاب کردند هوا ی
تمیزی با ردوش بجا لشون خانم چادری
نسبتا " جوانی در حالیکه سبزی و کلم
همراهش را توی بچه می گذاشت بسااه
عمیقی پوزخندی زد و گفت "آوار دهنل
شندن از دور خوش است خبرنداری که
چی روزگارمون میارن. منکه از زدگی
سیرندم هر روز به مکافات داریم. بیه
روز آب نداریم، به روز برق ها را قطع
میکنند هزار زحم زبون میزند چه اون
هرچی دانستم فروختیم و به خونه که
نکوبه لونه ساختیم و سرفون را کردیم
زیر سقفش پدای مون درسیا دچماق میاید
بالا سرفون که دیگه چی میخوابند دوره
طاغوت که این غلط ها را نمی تونستید
بکنید روتون زیاد شده " و شوخ کرد بیه
سرفه کردن به نظر میا مداسم دارد. همان
مردمن گفت، همین روزها ست کنه
ما مورهای شهرداری بریزن سرفون
خدا بدانشون برسد. کارگر اولی بسا
عصیانیت مکه اون پهلوی پدر سوخته
نیود که با این کاراش کور خودش را کند
اینها هم اگر میخواب زکور خودشان را بکنند
مفت چنگشون و راه افتاد.

شنبه پدیم در محل خانه سازی هر
کسی مشغول کاری بود جا شیک چند نفر
مشغول آب کردن فیر برای پشت بسا م
اطاق خود بودند بدبخت بود وقتی من رسیدم
پسر جوانی که از لباس معلوم بود
کارگرا و تاجا نیست و تازه وارد است
می پرسید "این زمینها را دولت به مردم
داده یا خودوشون او مند " یکی از کارگرها
که خیلی جوان بود گفت " اینها را دولت
نداده دولت فقط میتونه شنا ر بده ما
ما خودمون او مدیم (اشاره کرد بیه
بازوش) و هر کسی به اندازه خودش یک
تکه برداشت که بتونه یکی دو کامیون
آجر بریزه و چهار دیواریش را بکشد
همان پسر جوان گفت " خوب اگر بعد از
اینهمه زحمت ما مورهای دولت و
شهرداری بیاید چینی؟" همان کارگر
" اگر دلشون کتک منحل میخواب ما هم
حرفی نداریم که بیاید اما با اینچه
جمعیت چکار می توند بکنند تازه هر
بلائی میا در همه میا دتا جا شیکه بتونیم
جلوشون می استسیم " یکی دیگه از کارگرها
که ساون سرما لباسی بمخمری تنش بود
با عصیانیت گفت " طلا " به دولت چه
ربطی داره اینجا مال یک کردن کلفت
شاهی است دولت اگر عرضه داره اول بوه

استقلال - کار - مسکن - آزادی

سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی

چه کسانی حمله به صفوف فدائیان خلق راهبردی می کنند

یکی از عناصری که جما فداوران را رهبری میکرد در رژیم بود که طبق کاردستی که همراهِ داشت کار میگردید. فرهنگش بسیار پیشرفته بود و با اندک تفرقه ای نسبتاً تشنه، فرهنگ جما فدائی و قدا رهبریدی را می نمود بر روی غلظت فخرمان ایران پیش از این ماهیت این بنیاد آشکار میگردید.



چند این افراد بدست آمده - سازمان با تفکرات آن - ما ضعیفای عمل و عقل های بی تفکر و... حمل کلت و اسلحه ها بسیار توکل کامل رژیم بدین جهت مسلح است. مومضه های رژیم روزنامه جمهوری اسلامی (شماره ۸ بهمن) و دیگر نشریات و روزنامه ها در دست ما است. با این روشها ما می توانیم به میزان شصت درصد از فداوران را در اختیار بگیریم. ما در اختیار داریم هزاران نفر که تعداد جمعیت را ۱۰۰۰ نفر و ۱۵۰ نفر! (نقل از روزنامه میزان شصت درصد) این روشها در اختیار ما است. ما در اختیار داریم هزاران نفر که تعداد جمعیت را ۱۰۰۰ نفر و ۱۵۰ نفر! (نقل از روزنامه میزان شصت درصد) این روشها در اختیار ما است. ما در اختیار داریم هزاران نفر که تعداد جمعیت را ۱۰۰۰ نفر و ۱۵۰ نفر! (نقل از روزنامه میزان شصت درصد) این روشها در اختیار ما است.

میگویند "نقشه های ما یکسری تکی در کتب، بول، نقشونه اما حالا که پسرول رفت هم نسبت این بول عرب چیست. ما است که بشکله کلوله بطرفمون میریزن. درست در همین لحظه است که کتبت الله منظری در قم در پیشگاههای دروغ و فریب فریباً دمیزند و "اعمال کتبتی که به اسم حزب الهی ویا سدا روپا گسوم های اسلامی" حمله میکنند و محکوم میکنند. با سدا روپا و فداانها که با کتبتی با زمانهای وسیع تریافته اند به جز اولان سپهر داند، درهای خانه ها با زاست و مردم با آغوش با جمعیت رژیمند و راه می پندند. با وجود کتب و نقشه های کتبی از دادن برای روشن نمودن آتش و مقابله با کتا و کتا آورد ریح ندارد. با بندهای سیه با شلیک کلت بی سدا روپا در میان می پندند و رژیمند. با آغوش با جمعیت رژیمند و راه می پندند. با وجود کتب و نقشه های کتبی از دادن برای روشن نمودن آتش و مقابله با کتا و کتا آورد ریح ندارد. با بندهای سیه با شلیک کلت بی سدا روپا در میان می پندند و رژیمند.

توان بهر عرش، علیه امپریالیسم... کتا و فداانها در پناه آتش سلاح با سدا روپا سرمایه به پیش می پندند. جنگ و گریز سرمایه به تمام اطراف میدان کشیده میشود و توده های رژیمند. شما ما نه مقابله با سدا روپا می پندند. در این میان حمایت پرشکوه زانف نشینان اکثر طرف میدان و پناه دادن سدا روپا در درگاه های معزوم و وحدت زمینکنان با سازمان و قدرت بیکجا آنان از رژیم سرکوب جمهوری اسلامی راه بر پاشی پنداشته اند.

دیگر جمعیت بشکل سیلی پشوران بسوی میدان در حرکت است. اما سدا روپا با آزادی بیکجا رجه از جمعیت موج میزند. با استقبال بیش از ۱۵۰ هزار نفر از توده های خلق بسیار و رنگی تبلیغات حکیمت فداانها است. در میان سدا روپا و کتا، نام مخلصهای راهمی پنداشته اند. گروهی بگوش می پندند. توجیه... گروهی غلبه در پیشان آزادی به حرکت در می آید. مینگش سرخو توجیه، آزادی دروغین از آزادی ایدامه و بهر عرش یا در هم شکستن حلات و حیثیات مزدوران رژیم بسوی خیابان شتاب حرکت در می پندند. سرکوب و حیثیات به پورتن به خلق، دستگیری، از او و دست دختران و زنان در میدان آزادی ایدامه می پندند. ساعت از ه گشت است که گروهی از خیابانها رستاخیز با پلاکاردها و شعار رواد میدان توجیه می شوند. شعار هرفدائی رهائی انقلاب آرزو و خیانت - از خط حاکمیت، از خط حزب توده، از خط اکثریت گروهی دیگران خیابان آزادی به داخل خواب به حرکت در می پندند. شعار هرفدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی، توده های وسیع سیه راهمی پنداشته اند. توجیه، تمام پنجره ها با زاست، تمام درهای با زاست، تمام رفتن آزادی زمان توسط تفکرات رژیم غریبوشان از جمعیت سیه خیز همه سیه اختیار رکف می پندند و فداانها در دو سیر فداانها خیابان میدان را با پرده سیه ورد، تمام طول خیابان شتاب می پندند. سدا روپا معزوم و توجیه در میدانها است. سدا روپا توجیه و سدا روپا توجیه در میدانها است. سدا روپا توجیه و سدا روپا توجیه در میدانها است.

بقیه از سدا روپا تاریخی در مراسم که برگزار میگردید شرکت نمیکنند. رژیم جمهوری اسلامی که همواره هر اس روزافزون نیروها به آلمان و اروپا و روسیه و آمریکا و سایر نقاط داده است هر ابتدا بسوی گردهم پناه "فداان معزوم" فداانها بسوی وزارت کشور جلوی این حرکت را بگیرد. اما هنگامی که فداانها در فداانها بسوی وزارت کشور جلوی این حرکت را بگیرد. اما هنگامی که فداانها در فداانها بسوی وزارت کشور جلوی این حرکت را بگیرد.

میزان مبارزه روزنامه، غیر بگوش تمام می پندند. در مدت فریب به دهها هفته تمام می پندند. در مدت فریب به دهها هفته تمام می پندند. در مدت فریب به دهها هفته تمام می پندند. در مدت فریب به دهها هفته تمام می پندند.

در حاشیه میتینگ

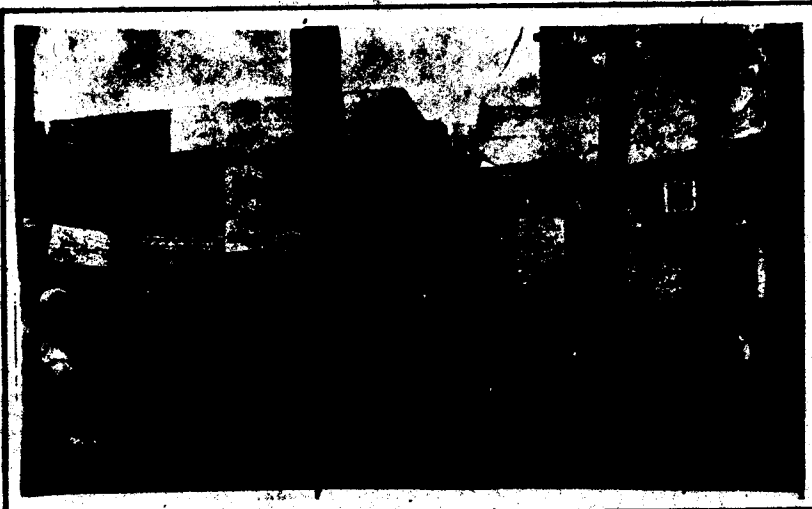
اکثریتی "های جناح راست این نوکران بی خبر و مومضه رژیم علیه بر بخش اعلامیه جا بوسانه خود ممتدی بر عدم شرکت در میتینگ (که مومضه با مسخره بوده) مومضه است. در چند نطق در فداانها رژیم سیه پنداشته بود و سیه داشتند. سدا روپا توجیه که "میتینگ ما از سدا روپا توجیه است" و این در دست در می پندند. سدا روپا توجیه که "میتینگ ما از سدا روپا توجیه است" و این در دست در می پندند.

رژیم جمهوری اسلامی که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. رژیم جمهوری اسلامی که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. رژیم جمهوری اسلامی که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است.

سدا روپا توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. سدا روپا توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. سدا روپا توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است.

سدا روپا توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. سدا روپا توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. سدا روپا توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است.

در جریان راهمی پنداشته اند. توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است. توجیه که ما بهای لرا از خود را سدا روپا توجیه است.



اعلام موجودیت خط امامی های جدید!

"دانش آموزان مسلمان پیرو خط امام" با هجوم به مدرسه خوارزمی شماره ۲ و تصرف و تعطیل آن به عنوان مرکز جاسوسی و فساد، در حالیکه با نقاب در نظر و روی پست با مدرسه مانور می دادند، اعلام موجودیت کرده اند.

جاسوسان آمریکا که ظاهرًا توسط "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" اسیر شده بودند، آنها را حتی آشکارا از دستخوانک "دانش آموزان مسلمان پیرو خط امام" با به بند کشیدن و اسارت آزادی سیاسی دانش آموزان آگاه و مبارز، و تعطیل و اخراج محصلین متعهد و انقلابی از محیط آموزش و به انضام نگه داشتن مراکز تحصیلی خود را نشان می دهند و با تسخیر مدرسه خوارزمی شماره ۲ تحت عناوین رسوا شده و ورشکسته مرکز "جاسوسی" و "مسمی دارنده اعتبار از دست رفته جریبا نهی به اطلاع خط امامی را در نظر توده های تاریخی و پرمیله از حاکمیت، احیاء کنندگان به هم مقدمات تعطیل مدارس، تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" آماده میکنند.

مدرسه خوارزمی شماره ۲ خیابان سعدی، از بدو سال تحصیلی جاری، بدلیل جوش و خروش دانش آموزان آگاه و مبارز

اطراف مدرسه به افشاکاری پرداختند و بدون توجه به تحریکات حزب اللهی ها برای ایجاد درگیری، به ناچار به آموزش و پرورش رفتند. جانب اینجاست که خط امامی های جدیدالولاده، معلمین راه هم بدر راه بنمیدادند و خودشان مدام از دانش آموزان عکس می گرفتند. دانش آموزان هر روز در اطراف مدرسه گرد می بیندند متعهد و مصمم به مبارزه خویش بمنظور ایجاد و تحکیم شوراهای انقلابی در مدارس، آزادی فعالیت سیاسی و بازگشت دانش آموزان اخراجی و معلمان انقلابی اخراجی به سرکار راه ادامه دهند.

جهت استحکام فعالیت آزادانه سیاسی در مدارس و آگاهی دادن به توده ها همیشه مورد عمل و هجوم صراحتاً به سردمداران جمهوری اسلامی بوده است بگنایم در اوایل آذرماه محصلین مورد پرورش قرار گرفتند که چند نفرشان مجروح شدند و بیست نفر نیز اخراج شدند.

صبح روز پنجشنبه ۲۲ بهمن، هنگامی که دانش آموزان به مدرسه رسیدند، بنیاد درهای بسته و خواهران نقاب زده و انواع و اقسام پلاکاردها در محکومیت آزادیهای سیاسی تحت حمایت جماعت - داران و - ۳ بدستان مواجه شدند. دانش آموزان بلیدن درهای بسته در

پاسداران و زاندارها زحمتکش کاخ خراسان را بخاک و خون کشیدند

دچار کم آبی میشود اینکارها را مغالفت کردند اما مقامات دولتی با زور سرنیزه و پشتیبانی ما موران مسلح خود، روز چهاردهم بهمن برای حفر چاه، به محلی در هفت کیلومتری کاخ رفتند، اهالی نیز برای جلوگیری از اینکار در همان محل تجمع کردند، پاسداران و زاندارها، با دیدن تجمع آب، زحمتکشان و اعتراض آنها، بروی آنها تیراندازی نمودند، در آن هفت نفر کشته و چندین نفر مجروح شدند.

فردای کشتار زحمتکش کاخ توسط پاسداران و ما موران زاندار فئوری، عناصر حکومتی، دست به تحریک مردم گنا باد زدند تا عمل فجیعانه و فاشیستی خود را توجیه کنند. آنها با ترتیب دادن راهپیمایی که عمدتاً بازاریهای گنا باد در آن شرکت داشتند، اعتراض دهقانان و کشتاران را طبق معمول تشبیه تحریک "مردم انقلابیون" و "مناقضین خوانند". روحانیون سرسپرده و مرتجع منطقه نیز با ابراد سخنرانی های سرآهادر و ربا تلاش داشتند که دامن خود را از کشتار زحمتکشان مبرا کنند، و وقتی به بی شرمی به بیخا سواد های کشته شدگان قول میدادند که آنها را زیور پوشش بنیادند بگیریند!

کم آبی مشکل دیرینه بخشهای وسیعی از سرزمین ایران است. این مصیبت بویژه در مناطق کویری، محسوس تر و سنگین تر است و این کمبود آب همواره سرمنشأ کشمکش ها و زدو خورد ها و در موارد بسیار، کشته شدن دهقانان ستمدیده بوده و هست. در هفته گذشته، مقامات استان خراسان برای تامین آب مورد نیاز یکی از شهرهای جنوبی خراسان، گناباد تصمیم گرفتند در کاخ که نسبتاً برآختر است چاه عمیق حفر کنند؛ اهالی زحمتکش کاخ با این استدلال که منطقه خودشان

آتش زدن کتاب، آتش زدن اندیشه است. کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه خود می نویسد: ... کانون نویسندگان ایران، ضمن محکوم کردن شدید جنایتی، نسبت به انجام نظیر آن در آینده هشدار می دهد و سکوت مسئولین و عدم تحقیق و دستگیری و مجازات مرتکبین این جنایات را در حکم محکوم گذاشتن برآنها می داند و در پایان ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب می گوید: "... تنها همگامی و هوشیاری و اتحاد همه مردم در راه حفظ این دستاوردها است که می تواند از آنها جام به شمران انقلاب جلوگیری کند."

حمله به کتاب حمله به آزادیهاست

در پی حمله های متعددی که دو هفته اخیر به کتابفروشی ها صورت گرفته است و در پی آتش زدن و سوزاندن کتاب های موجود در کتابفروشی ها، کانون نویسندگان ایران اعلامیه ای منتشر کرده است. کانون نویسندگان ایران در قسمتی از این اعلامیه می نویسد: "... دو سال است که جنبش انقلابی ایران گرفتار چنین تجاوزات و دشمنی هائی است ... به آتش کشیدن دهها کتابفروشی در تهران، مشهد، گرمانشاه، سیرجان، تکاب، شوشتر، گارون، شیریز، ارومیه، خرمشهر، رشت و دیگر شهرها، همه حاکی از زبون و ففتر اندیشه و بی مایگی فرهنگی گناشی است که از رشد آگاهی مردم بیخاکند."

اعلامیه در قسمت دیگری می گوید: "... رشد مبارزه طبقاتی در جامعه انقلابی ما، در مبارزه میان نیروهای که حقیقت اهدافشان با اشاعه و رشد آگاهی توأم است و نیروهای که منافع و مصالحشان در سرکوب اندیشه و جلوگیری از آگاهی تا مین می شود، متجلی است مردم می دانند که حمله به کتاب و کتا بخوان و کتابفروشی و کتابخانه حمله به همه آزادیهاست و

اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

• مهباد

دستگیری و تفتیش بدنی و بازجویی منازل مردم شهر افزایش یافته است و قریباً تمام محلات شب و روز با ساداران گمنام می گذارند تا مردم را بسنجد و اندازه اندازد.

روز جمعه بیست و ششم دیماه در اطراف روستای ایندرفاش (محوورجاده مهباد) رفاغیه (درگیری روی دادگاه یکسای از فرماندهان سپاه پاسداران به گنجان حاجی تورک زخمی شد همچنین در این درگیری چند پاسدار ارتشی زخمی شدند.

در همین روز در مسجد جامع مهباد فوج از فرماندهان سپاه برای مردم صحبت کردند و مردم را تهدید کردند و به اصطلاح دوراه پیش پای آنان گنجان دادند. پیوستن به پاسداران و جنبش اسلامی - پیوستن به "فدائیانقلاب" همچنین قرار بوده است بگر راهبیماشی به پشتیبانی از جمهوری اسلامی برگزار شود، که بر اثر فشار و تهدیدها شورای شهر با این برنامه مخالفت کرد، و برگزار نشد. روز بعد گروهی از مردم شهر در مسجد جامع گرد آمدند و به سخنان تهدیدگونه و توهین آمیز روز قبل پاسخ دادند و آن اعتراض کردند.

از روز بیست و ششم دیماه از غنوج اهالی از مهباد بدون اجازه گنجان سپاه پاسداران جلوگیری می شود. از رادیو نیز اعلام شد که هر کس بدون اجازه قصد خروج از شهر را داشته باشد، به سبب تیراندازی می شود. قبل از این اطلاعیه عبور و مرور بین مهباد و میاندوآب ممنوع شده بود.

روز شنبه بیست و هفت دیماه در نتیجه تیراندازان مهباد، به پیشرگان حزب دمکرات با ۲ جا در ارتش حمله کردند که تعدادی دستگیر و گروهی زخمی شدند و مهمات موجود در جا درها به نفع جنبش خلق کرد دمار در آنها نهاد.

در همین روز ساعت چهار بعد از ظهر یکی از جاش هام بنام اکبر خیری در میدان بلاغی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. در پی این عمل دومائین مطر از پاسداران مسلح به غیبیان ریختند و با کالیبر ۷۰ گوجه و غیبیان را زینتر و گنجان گرفتند، که موجب زخمی شدن همه ای از مردم بی گناه شد.

روز یکشنبه بیست و هشتم دیماه از اولین ساعات با مداخلی مدای تیراندازی در بیشتر مناطق شهر گنجان می رسد. پاسداران و ارتشیان به روی شهر خمپاره می انداختند. از تعداد تلفات

آمار در دست نیست، ولی یک منسزل بر اثر اصابت خمپاره ویران شد. فردای آن روز یک کامیون ارتشی در مهباد در کمین به پیشرگان ارتش و کامیون توسط نارنجک انداز به پیشرگان متلاشی شعور آشنده و همون از سر نشینان آن کشته و دوشن دیگر دستگیر شدند. در پی این عملیات ارتشیان شهر را به خمپاره بستند که چندین خانه و پسران شصت و هفتای زخمی و کشته برجای گذاشت. این تیراندازیه تا با مداخله ارتش در اول بهمن آدا مداخلت روز پنجشنبه که مداخلت با (آری بنندان) بود، شهر در آرامش بسر برد.

۵۹/۱۱/۶ - یک دسته از پیشرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به یک ستون ارتشی و پاسداران که به سوی سرکوب خلق کرد عازم مهباد بودند و فریب زدند. این ستون در ۱۰ کیلومتری مهباد در کمین به پیشرگان ارتش و بخشی از آن توانست از کمین بگذرد و روانه مهباد شود. اما پیشرگان شهر در محفل شهر مهباد دستون را به گنجان انداختند که تعداد زیادی از نیروهای برکوبگر کشته و زخمی شدند.

اوضاع عمومی شهر در حالت جنگی است. در مدتی که پیشرگان به داخل شهر آمده اند، روحیه مردم بسیار عالی است و از آنان به گرمی استقبال میکنند. ارتش هر از چندگاهی شهر را به تنگ و می بندد. تا اکنون بسیاری از مقرهای نیروهای سرکوبگر در شهر، تخلیه شده است. پیشرگان سازمان به پیشرگان هلنگویتر که ستون راهبردی می گرد، شلیک کردند که طبق اظهار به پیشرگان هلنگویتر، هلنگویتر نیز آسیب دیده بود. همچنین پیشرگان "گومله" یک ماشین پاسدار را در کمین می اندازند که منجر به کشته شدن شش پاسدار و مصدوم شدن تعدادی از آنها شد.

در تاریخ یازدهم بهمن مردم مهباد که از خانه ها خارج شده بودند تا برای خرید نفت به شمشه های فروش بروند، با رگبار دیوانه وار پاسداران سرکوبگر جمهوری اسلامی روبرو شدند. این حمله و حشمانه به مردم غیر مسلح و بی دفاع شهر، بیست و هفت و هشتای مجروح بجای گذاشت.

اکثر خانه های منطقه بین شرکت نفت و سیلوها اثر اصابت خمپاره ویران شده اند.

• سنندج

۵۹/۱۱/۲ - درجاده کرمانشاه - سنندج شانزده تن پاسدار ارتشی توسط

پیشرگان گومله اسیر شدند. از این پس عده دوازده نفر را زعفران بوده اند که بلافاصله توسط پیشرگان آزاد گردیدند. روز سوم بهمن، جاشها، یک راهبیماشی به پشتیبانی از رژیم جمهوری اسلامی برای انداختن دوشن دیگری نهادند که بر اثر اعتراض مردم راهبیماشی برهم خورد و جاشها متفرقه، متواری شدند.

• آشنویه

ساعت ۱۱ صبح روز ششم دیماه، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی روستای "گندهوله" را به خمپاره بستند. ستم از اهالی بی دفاع، این روستا که در ۲۰ کیلومتری آشنویه قرار دارد، شهید شدند. در شبهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ ماه، ارتش با توپ و خمپاره روستاهای دیگر اطراف آشنویه را نیز گلوله باران کرد.

مراسم (آری بنندان) - دوم بهمن، در آشنویه با شکوه و استقبال مردم برگزار شد. آشنویه اکنون در دست مردم است و اهالی شهر پاسداران را تیراندازان را از شهر بیرون رانده اند.

• بوکان

روز ۲ بهمن به مناسبت سالگرد اعلام جمهوری خودمختار کردستان، مراسمی در دبیرستان معدیهرنگی بوکان به دعوت سازمان انقلابی زحمتکشان (گومله) برگزار شد. در این مراسم بنامهای، شیخ عزالدین حسینی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای انقلابی کردستان قرائت شد.

همچنین در این روز از سوی حزب دمکرات کردستان، مراسم راهبیماشی برگزار شد. به مدت ۳ روز در دبیرستان کمال چند نامیش و سخنرانی و سنسروند اجرا کردند. علاوه بر بوکان مراسم آری بنندان در شهرهای اشغال شده منجمله سردشت و مناطق روستایی نیز برگزار شد.

• میاندوآب

۵۹/۱۱/۷ - گروهی جمعی بدست متشکل از ماوزان بسیج و کمیته ای به ورزش صبحگاهی دانش آموزان هنرستان حمله کردند که منجر به درگیری و تشنج شد و هنرستان به حالت تعطیل درآمد.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

اخباری از:

بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق

لامیجان

بمنظور بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران، کمیته مرکزی ستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن در سیاهکل گردهمایی بزرگ هدف بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران را در مینا کمان برگزار کرد. در این گردهمایی، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود. در این مراسم، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

حودی بنا شد، چاه عمیق می‌نمودند. در این مراسم، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

با درود به همه رفقا و همکاران سازمان که طی چند روز اخیر با زحمات و کوششهای فداکاری، با ايمان و انضباط کمونیستی، وظایف محوله از پیشروی سازمان را به منظور بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران انجام دادند. تلاش و پیگیری رفقا در امر ستاخیز سیاهکل، اجرای مراسم سازمان در روز ۱۷ بهمن، که از زمان کمیته مرکزی فدائی خلق به طبیعت کارگروه ویژه‌های مردمی است. می‌تواند، برای دستیابی به اهداف انقلابی، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را سازماندهی کند. در روزهای اخیر، در مینا کمان، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

با درود به همه رفقا و همکاران سازمان که طی چند روز اخیر با زخمات و کوششهای فداکاری، با ايمان و انضباط کمونیستی، وظایف محوله از پیشروی سازمان را به منظور بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران انجام دادند. تلاش و پیگیری رفقا در امر ستاخیز سیاهکل، اجرای مراسم سازمان در روز ۱۷ بهمن، که از زمان کمیته مرکزی فدائی خلق به طبیعت کارگروه ویژه‌های مردمی است. می‌تواند، برای دستیابی به اهداف انقلابی، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را سازماندهی کند. در روزهای اخیر، در مینا کمان، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

تور و چای تکسارانه علی فدائی توسط تور و چای جمهوری اسلامی

اقدامات امنیتهای تروور یکی از دیوانه‌ها می‌باشد که توسط تروور و چای جمهوری اسلامی لکه‌نگ دیگر تروور است. در این اقدام، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

بازداشت‌مادران شهادت فدائی خلق

شهادت فدائی خلق، مادران بازداشت‌شده، که با زخمات و کوششهای فداکاری، با ايمان و انضباط کمونیستی، وظایف محوله از پیشروی سازمان را به منظور بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران انجام دادند. تلاش و پیگیری رفقا در امر ستاخیز سیاهکل، اجرای مراسم سازمان در روز ۱۷ بهمن، که از زمان کمیته مرکزی فدائی خلق به طبیعت کارگروه ویژه‌های مردمی است. می‌تواند، برای دستیابی به اهداف انقلابی، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را سازماندهی کند. در روزهای اخیر، در مینا کمان، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

پیامهایی که بمناسبت سالگرد قیام خلق و سالروز ستاخیز سیاهکل به سازمان رسیده است.

- A.M.F. اتحادیه مرکزی‌های در فرانسه
- M.T.I. اتحادیه کارگران ساجر
- A.T.T. اتحادیه کارگران تونس
- A.T.T. اتحادیه کارگران ترک
- A.T.A. اتحادیه کارگران الجزایر
- F.T.A.N. اتحادیه کارگران آفریقای سیاه
- چپ انقلابی شیلی (میر)
- سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
- سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
- چاپ چپ اکثریت
- زندانیان سیاسی
- کارگران نپروتیستران
- کارگران پهنوتوب آهن
- دانشجویان پهنکا
- دانش آموزان پهنکا

قسمتهائی از پیام زندانیان سیاسی زندان اوین بمناسبت دومین سالگرد قیام بهمین ماه ۵۷

مردم مبارزان انقلابی! در راستای دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمین ماه، سالروز شهادت و قیام انقلابی خلق و سرنگونی رژیم پارتی استبدادیم، چنانچه با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شد. در این مراسم، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

رشت

عصرهای تروور نیز می‌تواند در مینا کمان برگزار شود. در این مراسم، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

مردم مبارزان انقلابی!

در راستای دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمین ماه، سالروز شهادت و قیام انقلابی خلق و سرنگونی رژیم پارتی استبدادیم، چنانچه با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شد. در این مراسم، با سخنرانیهای ارزشمند، به بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق ایران پرداخته شد. در پایان مراسم، با تلاطمی از سوی ستاخیز سیاهکل، با اطلاع از این امر، دستوراتی صادر شد تا با توطئه میسر آید و با بزرگداشت سالروز ستاخیز سیاهکل، گردهمایی بزرگ در مینا کمان برگزار شود.

پیش‌بسیوی تشکیل حزب طبقه کارگر